هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله

وضعیت امنیتی و نظامی نگران کننده است
ص۲

پاکستان پس از مشرف
ص۲

استعفای جنرال پرویز مشرف و سیاست های بعدی پاکستان به ارتباط افغانستان
ص۷

دور ششم – سال هفتم – شمارهٔ سیزدهم شنبه ۲ سنبله ۱۳۸۷ - ۲۰ شعبان المعظم ۱٤۲۹ - 23, August 2008

جنگ و شورش درکشور
وارد مرحلهٔ خطرناکی گردیده است

احمد مهدی



دریی فروپاشی سریع ویک بارهٔ ادارهٔ طالبان در سال ۲۰۰۱، پیش بینی خوشبینانه درمورد دورنمای وضعیت افغانستان هواداران زیادی یافت، گمان می شد افغانستان دربسترثبات وامنیت قرارگرفته ودیگر هیچ نوع شورش وفعالیت مسلحانه دربرابر نیروهای بین المللی مستقردرافغانستان صورت نخواهد گرفت.

امریکا تنها ابرقدرت دنیا مست ازبادهٔ پیروزی درافغانستان به سراغ صدام رفت وطرح ترویج دموکراسی درخاورمیانهٔ بزرگ را اعلام کرد. اما دیری نگذشت که تصورپیروزی درافغانستان اشتباه ازآب درآمد وشورش های مسلحانه آغازگردید، این شورش ها که تا سال ۲۰۰۴ نگرانی وبیم چندانی در میان خارجیان ورهبران دولت ایجاد نکرد به شکل محدود ادمه یافت، اما پس از ۲۰۰۴شورشها شدت یافت ودر برخی روستاها جنگجویان طالب فعالیت های آشکارتری انجام دادند، اما با گذشت زمان این شورشهای پراگنده ومحدود دامنه گسترده تری پیدا کرد. شورشیان طالب توانستند. مراکز ولسوالی ها را نیزمورد حمله قرار دهند، بم گذاریهای کنارجاده وحملات انتحاری تکتیک های عمدهٔ بود که طالبان دراین مدت به مرحلهٔ اجرا درآوردنامد.

سال ۲۰۰۸ اوج فعالیتهای شورشگرانهٔ طالبان را به نمایش گذاشت، درأواخرماه سرطان امسال یک گروه طالب بر پایگاه نیروهای امریکایی درولسوالی وانت ولایت کنر حمله نموده ودر درگیری شدید ونسبتا طولانی ۹ تن ازسربازان این پایگاه را به قتل رسانده و۱۴ تن دیگرآنان را مجروح ساختند این نخستین تجربهٔ طالبان دریک جنگ رویاروی ومنظم با نیروهای خارجی بود که موفقیت آشکاری برای آنها درپی داشت. ادامه درص۶



فراخوان به مناسبت فرا رسیدن هفتمین سالروز شهادت احمدشاه مسعود قهرمان ملی کشور

مجاهد در نظر دارد به مناسبت هفتمین سالروز شهادت احمدشاه مسعود قهرمان ملی کشور ویژه نامه یی به چاپ رساند. از همهٔ نویسندگان و شاعران خواهشمندیم نوشته ها و اشعار خویش را پیرامون ابعاد گوناگون شخصیت قهرمان ملی کشور و مجاهدت ها و مبارزات پر افتخار ایشان، به اداره و یا به ایمیل آدرس (mujahid1357@yahoo.com) بفرستند تا در ویژه نامهٔ یاد شده به نشر برسد.

نخست وزیر انگلیس از افغانستان دیدار نمود

گوردون براون نخست وزیر انگلیس در یک سفر غیر منتظره به تاریخ ۳۰ اسد وارد کابل گردید، وی در ملاقات کوتاهی با حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان در یک کنفرانس مطبوعاتی با وی شرکت نمود. براون بر تقویت اردوی افغانستان تأکید کرد و از تصمیم کشور خویش جهت ادامهٔ مبارزه علیه شورشگران یاد آوری نمود.

براون بلافاصله جهت ملاقات با سربازان کشور خویش به ولایت هلمند سفر نمود. انگلیس ۸ هزار سرباز در افغانستان دارد که در چهارچوب نیروهای ناتو و ائتلاف بین المللی مبارزه با تروریزم فعالیت می کند. اکثر این سربازان در ولایت هلمند که طالبان فعالیت های وسیعی دارند مستقر گردیده اند.

این دومین سفر نخست وزیر انگلیس به افغانستان، از زمان رسیدن وی به این مقام می باشد.

تشدید جنگ در افغانستان نگرانی های زیادی را در پایتخت های کشورهای اروپایی ایجاد نموده است، در جریان ده روز گذشته بیش از ۲۰ تن از سربازان اروپایی کشته شده اند، بزرگترین تلفات را سربازان فرانسه متحمل گردیدند که در یک درگیری با شورشیان در ولسوالی سروبی ۱۰ نفر کشته داشتند.

به دنبال این تلفات سارکوزی رئیس جمهور فرانسه به تاریخ۲۹ اسد وارد کابل شد و با اجساد سربازان مقتول به کشور خویش برگشت. اخیرا افزایش تعداد سربازان اردوی افغانستان به عنوان یک راه حل مقابله با جنگجویان طالب از سوی رهبران اروپایی مطرح می گردد چیزی که باید قبلاً صورت می گرفت.

پیام جمعیت اسلامی افغانستان به مناسبت

هشتادو نهمین سالروز استرداد استقلال کشور

هموطنان عزیز!

فرارسیدن ۲۸ اسد، سالروز خاطرهٔ عظیم استقلال کشور عزیز ما که تداعی گر پیکار ومقاومت کم نظیر نیاکان مبارز، پیکار گر، مجاهد ومقاوم ما در برابر اشغالگران انگلیس است، به همهٔ شما مبارک باد!

نیاکان ما، آن تندیسه های صلابت، آگاهی وغیرت وبیدار ضمیران ذلت نپسند واستعمار ستیزی که نمی توانستنداسارت گیسوان مادر وطن را در چنگال نا میمونّ اجنبی تحمل نمایند، با عزم خلل ناپذیر وارادهٔ آهنین، تحت زعامت راد مردانی که از متن توده ها برخاسته بودند، طی سه نبرد استقلال طلبانه، بیگانه را عقب راندند و میهن را از اشغال خارجی نجات بخشیدند.

افغان های مستقل، آزاد اندیش، مسلمان و وطندوست این جهاد عظیم را در دورانی رهبری کردند که میلیون ها انسان مظلوم از شمال امریکا تا آخرین ادامه درص۸

به مناسبت یازدهمین سال شهادت

عبدالرحیم غفورزی، صدراعظم فقید افغانستان

شریف غالب



اشاره

یازده سال قبل از امروز روز پنجشنبه ۳۱ اسد ۱۳۷٦ خورشیدی مرحوم عبدالرحیم غفورزی که ده روز قبل از آن تاریخ از طرف استاد برهان الدین ربانی رئیس جمهور دولت اسلامی افغانستان، به حیث صدر اعظم تعیین شده بود با شماری از نخبه گان افغانستان در اثر یک سانحهٔ هوایی به شهادت رسیدند.

مرحوم عبدالرحیم غفورزی، صدر اعظم متعین افغانستان که قصد داشت در مورد تشکیل کابینه در پهلوی مشورت با بزرگان افغانستان با آقای کریم خلیلی رهبر حزب وحدت اسلامی افغانستان نیز مشورت نماید، اما با دریغ ودرد طیاره حامل صدراعظم افغانستان در میدان هوایی فرو افتاد وآتش گرفت و به استثنای دوتن از همسفران صدراعظم، دیگران همه به شهادت رسیدند.

شهیدان عزیزی که همراه با مرحوم عبدالرحیم غفورزی به شهادت رسیدند عبارت بودند از: شهید عبدالعزیز مراد، شهید عبدالعلی دانشیار، شهید عبدالحسین مقصودی، شهید سید یزدانشناس هاشمی، شهید محمد امین سجادی، شهید عبدالکریم زارع، شهید فیض الله خان و بگراموال و...

هفته نامهٔ مجاهد درحالی که یک بار دیگر به خانواده های آن شهیدان عزیز وملت صبور افغانستان شهادت شان را تسلیت می گوید، از بارگاه ایزد منان روان آن ها را شاد وبهشت برین را برایشان آرزومی برد. ادامه درص۳

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپه کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

وضعیت امنیتی و نظامی نگران کننده است

با گذشت هر روز وضعیت در کشور بیشتر رو به وخامت می گذارد، اخیرا وضعیت امنیتی و نظامی به حالت بحرانی رسیده. آدم ربایی، قتل، سرقت و تجاوز جنسی، وحشت وبیم فراوانی درمیان مردم به میان آورده است. نبود امنیت در شاهراه ها مخصوصا راه های منتهی به کابل از سوی غرب وجنوب و حتا شرق و اصابت راکت به پایتخت، دورنمای تاریکی، در برابر دیدگان مردم قرار داده است. دراین میان تشدید جنگ وگسترش دامنه های آن به شهرها و شاهراه ها، افزایش تلفات غیر نظامیان وضعیت را بیشتر نگران کننده ساخته است. طبق گزارش های بین المللی در سال جاری، خشونت ها پنجاه در صد افزایش یافته و نیم از کشور برای سازمان های امداد خطرناک گردیده است.

در وضعیت حکومت داری نه تنها این که بهبودی رو نما نشد بلکه فساد، نقض قانون، اختلاس، رشوت، دامنه های گسترده تری یافته و هر روز نمونه های تکان دهنده آن در مطبوعات ملی وبین المللی به نشر می رسد. طبق اظهارات نماینده ملل متحد درافغانستان، به طور اوسط هرخانواده سالانه حدود صد دالر به مقامات و یا ماموران دولت رشوت می پردازند.

وضعیت اقتصادی با افزایش بی سابقه فقرو بیکاری و صعود نرخ ها پهلوی دیگر بحران در کشور را بازتاب می دهد، بعد از گذشت هفت سال و مصرف ملیارد ها دالر، هنوزهم کابل یگانه پایتختی است که از برق محروم می باشد.

چنین وضعیت اسفناک، نا گهان و یک شبه به میان نیامده، بلکه از همان آغاز ورود نیروهای خارجی و به میان آمدن حکومت پس ازکنفرانس بن، نشانه های آشکار آن دیده می شد و با وجود یاد آوری شخصیت ونیروهای دلسوز به وطن، خارجیانی که صاحب نفوذ در کشور ما می باشند و همچنان دولتمردانی که تازه بر اریکه قدرت تکیه زدند نا شنیده گرفته و به آن توجهی نکردند.

نگاه همه جانبه بر بحران کشور وتوجه به زندگی مردم، گام اساسی بسوی بهبودی وضعیت می باشد، باید جامعه بین المللی و زمامداران افغانستان، حل دشواری های اقتصادی شهروندان، ازمیان بردن فقر و ایجاد کار و ساخت زیر بناهای اقتصادی و طرح های تولیدی را در رأس سیاست های خویش قرار دهند، این مشکلی است که با توجه به امکانات گسترده جامعه جهانی و ادعای تخصیص پول های هنگفت، حل آن به زودی و آسانی امکان پذیرمی باشد.

ایجاد اطمینان و اعتماد در میان مردم، حمایت از خشونت و مخالفت های مسلحانه را از میان بر می دارد.

تقویت نهاد های امنیتی و نظامی افغانستان نیز تکیه بر نظامیان خارجی را کاهش می دهد آنچه که از عوامل مخالفت های مسلحانه دانسته می شود.

تحمیل گروه ها و اشخاص مورد اعتماد خارجی ها وفقدان مشارکت و آزادی واقعی تمام شهروندان و گروهای سیاسی درکشور، سیاستی که خارجیان تا کنون گذشته ازآن پیروی می کردند لازم است مورد بازنگری اساسی قرارگرفته و تناقض و دو رویی در تطبیق دموکراسی و مردم سالاری پایان داده شود.

اصلاح این اشتباهات می تواند عوامل بحران زا را از میان بر دارد و قبل از اینکه وضعیت به حالت برگشت ناپذیری برسد، کشتی سرنوشت کشور به ساحل نجات هدایت گردد.

ادامه بحران می تواند فرصت سامان دهی دولت، اقتصاد و ملت را نابود نموده، به اصطلاح ماموریت جامعهٔ بین المللی در افغانستان را با شکست رو بروسازد.

پاکستان پس از مشرف

وحید مژده

روز دوشنبه ۲۸ اسد اعلام گردید که جنرال مشرف رئیس جمهور نظامی پاکستان پس از نه سال سلطه بر این کشور سرانجام از مقام خویش استعفا داد. این استعفا بدنبال آن صورت گرفت که پارلمان ملی پاکستان طرح استیضاح جنرال مشرف را آماده کرد. در این طرح مشرف به خیانت علیه پاکستان متهم شده بود که در آن مواردی از جمله سرنگونی حکومت منتخب نوازشریف از طریق کودتا، کشتار در لال مسجد اسلام آباد وغیره شامل بود. اتهاماتی که اگر ثابت می شد، سزائی جز اعدام در انتظار مشرف نبود.

گفته می شود که در ترغیب مشرف به استعفا، کشور های عربستان سعودی و ایالات متحدهء امریکا نقش مهم داشتند.

مشرف در آخرین سخنان خویش بعنوان رئیس جمهور گفت که وی هرکاری که انجام داده منافع پاکستان برایش در اولویت قرار داشته است. وی تمام اتهامات وارده از جانب مخالفین سیاسی خویش را بی بنیاد خواند.

تحولی بی سابقه

این برای نخستین بار در تاریخ شصت ویک سالهء پاکستان است که یک زمامدار که بوسیلهء کودتای نظامی به قدرت رسیده است، توسط یک حکومت منتخب از کار برکنار میشود. این تحول را پاکستانی ها بعنوان پیروزی بزرگ دیموکراسی برای کشوری می دانند که بخش بزرگی از تاریخ خود را در زیر سلطهء نظامیان گذرانیده است.

مردم در پاکستان بعد از شنیدن خبر کناره گیری مشرف از قدرت به خیابانها ریختند و این روز را جشن گرفتند. جالب است که این روز مصادف با هشتادونهمین سالروز استقلال افغانستان از انگلیس نیز بود اما در افغانستان این روز به اندازهء یک لحظه شادمانی مردم پاکستان از کناره گیری مشرف در افغانستان جشن گرفته نشد و حتی خبر استعفای مشرف در سرخط اخبار، موضوع جشن استقلال را نیز تحت الشعاع قرار داد.

مخالفین مشرف

اکنون سخن بر سر اینست که پاکستان پس از کنار رفتن مشرف دچار چه تحولاتی خواهد شد. آیا اتحادی که به منظور برکناری مشرف بمیان آمده بود پابرجا خواهد ماند؟

احزابی که در انتخابات اخیر در پاکستان بقدرت رسیدند، مخالفین سیاسی دیرینهء هم اند. نوازشریف رهبر حزب مسلم لیک (ن) خواستار کناره گیری مشرف از قدرت و بازگشت افتخار چودری قاضی القضات پیشین و همکارانش به وظایف شان بودند. حزب مردم زیاد روی این دو مسئله پافشاری نداشت. بی نظیر بوتو طی یک سازش قرار بود با مشرف حکومت مشترک بسازد و در این مورد مذاکراتی میان مشرف و بی نظیر در امارات متحدهء عربی صورت گرفت. مشرف نواز شریف را که به پاکستان بازگشته بود دوباره از کشور اخراج کرد، اما با کشته شدن بی نظیر بوتو صحنه بکلی تغییر کرد.

نقش امریکا

امریکا به تحولات پاکستان اهمیت زیاد قایل است. ایالات متحدهء امریکا هم در ابتدا تلاش کرد تا راهی برای ادامهء کار مشرف پیدا کند که به این کار توفیق نیافت. در حقیقت امریکا در مسئلهء پاکستان بر سریک دوراهی دشوار قرار گرفته بود. از یکطرف مسئلهء بقای یک دوست در میان بود که بقول جورج بوش جنرال مشرف در سال ۲۰۰۱ و پس از ماجرای یازدهم سپتامبر تصمیم (شجاعانه) گرفت و به طالبان پشت کرد. از طرف دیگر ادعای امریکا در مورد



اینکه از استحکام دیموکراسی در پاکستان حمایت می کند با حمایت از مشرف زیر سوال می رفت.

برای امریکا مسئلهء تکنالوژی اتومی پاکستان بسیار مهم است و از نظر امریکا مطمئن ترین کسانی که می توانند کلید این تجهیزات را در اختیار خود داشته باشند، نظامیان پاکستان اند.

امریکا با دل ناخواسته به این خواست مردم پاکستان گردن نهاد، اما نباید گمان کرد که با کنار رفتن مشرف پاکستان به دیموکراسی دست یافته است. بزودی تب وتاب ناشی از شادمانی و سروصدای مرگ بر مشرف پایان خواهد گرفت و مشکل ائتلاف تشکیل دهندهء حکومت پس از آن آغاز می شود.

ائتلاف شکننده

نخستین مشکل احزاب تشکیل دهندهء ائتلاف پس از سرنگونی مشرف موضوع تقسیم قدرت است. اما برای مردم پاکستان

> **امریکا با دل ناخواسته به این خواست مردم پاکستان گردن نهاد، اما نباید گمان کرد که با کنار رفتن مشرف پاکستان به دیموکراسی دست یافته است. بزودی تب وتاب ناشی از شادمانی و سروصدای مرگ بر مشرف پایان خواهد گرفت و مشکل ائتلاف تشکیل دهندهء حکومت پس از آن آغاز می شود**

سرنگونی مشرف یک هدف نبود بلکه وسیله ای بود برای بیرون رفتن پاکستان از مشکلات اقتصادی وامنیتی. اما آیا عناصر تشکیل دهندهء حکومت ائتلافی در مورد چگونگی رسیدن به این اهداف تا کدام حد از اتفاق نظر برخوردار اند؟

هرکدام از این احزاب می خواهند کرسی ریاست جمهوری را در اختیار خود داشته باشند. هرچند رئیس جمهور در پاکستان که دارای نظام پارلمانیست، بیشتر بعنوان یک نماد مطرح است اما این صلاحیت را دارد هر زمان که اراده نماید، پارلمان را منحل کرده و دستور انتخابات جدید بدهد.

فساد و سیاست در پاکستان

سیاست در پاکستان بافساد رابطهء نزدیک داشته است. سیاستمداران در این کشور بیشتر به فکر ثروت انباشتن برای خود اند تا خدمت به مردم. فساد در حکومت هائی که با رای مردم روی کار آمده اند در دخالت ارتش در سیاست این کشور نقش مهم داشته است.

یکی از هواداران مشرف مدعی است که زمانیکه مشرف نه سال قبل قدرت را در دست گرفت خزانهء پاکستان بکلی خالی شده بود، اما اکنون که مشرف از کار برکنار شده، ملیارد ها دالر ارز در خزانهء دولت انباشته شده است. اکنون بار دیگر سیاستمداران برگشته اند تا مانند گذشته بیت المال را غارت کنند!

این سخن درست است. ملیارد ها دالر پول را مشرف از همکاری با امریکا در آنچه که مبارزه علیه تروریسم خوانده شد بدست آورد. وی خودش در کتاب (در خط آتش) اعتراف می کند که با فروش افراد القاعده وطالبان به امریکا نیز پاکستان مبالغ هنگفتی پول از امریکائی ها بدست آورند. یازدهم سپتامبر اگر برای امریکا یک مصیبت بود، برای متحد نزدیک امریکا علیه تروریسم یعنی پاکستان یک موهبت الهی بود. مشرف از همه چیز حتی از فروش انسان به امریکا دالر بدست آورد.

جامعهء جهانی برای کمک به افغانستان اعلام ملیارد ها دالر کمک کرد که از آنجمله فقط بخش کوچکی در افغانستان به مصرف رسید، درحالی که پاکستان چندین برابر افغانستان بخاطر همکاری در مبارزه علیه تروریسم پول بدست آورد.

اما اکنون که مشرف رفته است مشکلات زیادی جلوی پای زمامداران جدید این کشور باقیست. ناامنی ها که دیگر محدود به مناطق قبایلی هم نیست، مبارزه با مشکلات اقتصادی از جمله ازدیاد قیمت ها و کمبود برق چالش های بزرگی است که جانشینان امروز مشرف به آن مواجه اند.

تاثیر تحولات پاکستان بر افغانستان

افغانستان کشوری است که سخت به همسایهء خود پاکستان وابسته است. هم از نظر اقتصادی ما نیازبه پاکستان داریم وهم برای تامین امنیت خود به همکاری پاکستانی ها نیازمندیم. اهمیت این وابستگی را زمانی می توانیم بصورت روشنتر درک کنیم که می بینیم در حالیکه حدود چهل کشور جهان برای کمک به افغانستان در این کشور حضور نظامی دارند، همه به این باور اند که بدون همکاری واقعی پاکستان مبارزه علیه تروریسم ره به جائی نخواهد برد.

مشرف به عنوان یک رهبر نظامی برای جنگ با مخالفین مسلح دست باز تر داشت اما ائتلاف ضعیف کنونی برای هر تصمیمی در این زمینه نیازمند رعایت حال همدیگر است. از طرف دیگر حکومت منتخب بیشتر از یک حکومت خود کامهء نظامی رعایت نظر مردم را خواهد کرد که خواهان صلح با مخالفین و دادن امتیاز به آنهاست. این شرایط با نظر افغانستان که خواهان یک جنگ بی امان با ریشه های ناامنی در آنسوی مرز است همخوانی ندارد.

با در نظر داشت تجارب سالهای پار، بارسیدن ماه رمضان در میزان ناامنی ها و بخصوص حملات انتحاری ازدیاد بعمل خواهد آمد و ادامهء ناامنی ها مخالفت های افغانستان علیه پاکستان را به دنبال خواهد داشت.

آیا نظامیان از صحنه کنار خواهند رفت؟

پاکستان در عمر شصت ویک سالهء خویش تناوبی از دست بدست شدن قدرت از نظامی به منتخب و برعکس را شاهد بوده که یک دوره حکومت غیرنظامی بدنبال خود دوره ای از بقدرت رسیدن نظامیان را شاهد بوده است.

شرایط حساس امروز منطقه و اهمیتی که پاکستان برای امریکا و ناتو درین منطقه دارد نیازمند همکاری هائی است که یک حکومت ضعیف غیرنظامی و درگیر کشمکش های داخلی از تامین آن عاجز است.

هرچند نمی توان گفت که یک کودتای دیگر در آیندهء نزدیک محتمل است، اما با توجه به مشکلات امریکا و ناتو در افغانستان و نیز این حقیقت که امریکا از امنیت تاسیسات اتمی در پاکستان نگرانی دارد، به مشکل می توان تصور کرد که نظامیان صحنه ای را که خود در آن فعال اند، برای حکومت غیرنظامی حتی بصورت محدود خالی کنند.

به مناسبت یازدهمین سال شهادت

عبدالرحیم غفورزی، صدراعظم فقید افغانستان

بقیه از صفحهٔ اول

شهید عبدالرحیم غفورزی یکی از پیشگامان تاثیر گذار عرصهٔ سیاست در دههٔ نود میلادی در افغانستان است که متعاقب تغیر نظام در سال ۱۹۹۲ میلادی و تاسیس نخستین دولت اسلامی در کشور، با درایت و تدبر تخصصی وظیفوی و میثاق و تعهد استوار مردمی و ملی، در کارزار پرتلاطم سیاست در افغانستان تبارز کرده و در محدودهٔ زمانی نیم دهه در مؤاقف نخستین شارژدافیر نمایندگی دایمی افغانستان درسازمان ملل متحد، معاون نمایندگی دایمی، معاون وزیر امور خارجه و وزیر امور خارجه ایفای وظیفه نموده و سرانجام در ۱۱ اگست ۱۹۹۷ بحیث صدراعظم متعینهٔ افغانستان تثبیت موقف کرد.

شادروان غفورزی که زاده و برخاسته از دامان خانواده ای آگاه و بیدار بوده و عشق و علاقه به اعتلای کشور و عطش خدمت بوطن را چون میراث گرانبهای فراگرفته از آن میپنداشت،از سابقهٔ پر درخشش کاری تخصصی در کدر سیاسی وزارت امورخارجهٔ وقت برخوردار بود. مرحوم غفورزی پس از تجاوز نظامی شوروی سابق به افغانستان، حین اشتراک در اجلاس سالیانهٔ اسامبلهٔ عمومی سازمان ملل متحد و هنگام جلوس هییت نمایندگی افغانستان در کرسی تالار اسامبله، در اعتراض به اشغال نظامی کشورش توسط نیروهای اتحاد شوروی سابق با شهامت به نکوهش رژیم پرداخته و از حقانیت جهاد و آرمان مردم افغانستان برای آزادی و حق تعین سرنوشت حمایت نمود. به همانسان موصوف ضمن اشتراک در اجلاس کشور های عضو نهضت عدم انسلاک، تهاجم قشون سرخ به افغانستان را تقبیح نموده و خواستار توجه جامعهٔ بین المللی بوضع کشورش گردید.

آقای غفورزی بعد از اقامت در امریکا سالیان مدیدی را در راستای اشاعهٔ داعیهٔ بر حق مردم افغانستان در مجامع بین المللی و امریکا جد و جهد بیشایبه نموده و طی سالیان پسین برای بار ثانی درست آوانی در حوزهٔ سیاست خارجی افغانستان پا نهاد که افغانستان رهیده از چنگال شوروی وقت، یکبار دیگر آماج مداخلات، تعرضات و دسایس پیدا و پنهان کشور های همسایه بالاخص پاکستان در تبانی با قدرتهای معین دوردست قرار گرفته، و در گیر یک معرکهٔ تاریخی نظامی – سیاسی شده بود. به گونه ایکه رویارویی موثر با آنهمه توطیه های منطقوی و بین المللی که در جنب پایتخت های عمده در غرب بوضوح تا شورای امنیت، اسامبلهٔ عمومی و در کل سیستم ملل متحد ریشه دوانیده و عملا ادامهٔ عضویت افغانستان بعنوان یکی از سابقه دار ترین اعضای سازمان را به چالش میکشید، مستلزم یک دیپلوماسی فعال و جهنده مینمود که قادر به تامین همخوانی و همسویی لازم با اقتضاات ناشی از جریانات سیال و انکشافات متغیر در داخل افغانستان میبود.

در چنین آوانی زنده یاد غفورزی با عزم جزم و روحیه ای سرشار از حب وطن و حضور فعال در کنار زعامت مقاومت و سایر کدر های سیاسی دولت، حامل تحرک لازم در پهنهٔ سیاست خارجی افغانستان گردید. در سال ۱۹۹۶ پس از اشغال نظامی کابل توسط طالبان، در حالیکه افغانستان یکی از بحرانی ترین فصلهای حیات سیاسی خویشرا تجربه مینمود، شادروان غفورزی با انتصاب در سمت وزیر امور خارجه بعنوان یک دیپلومات مجرب و کار آگاه، با اشتراک و سهمگیری فعال در مباحثات و مذاکرات سازمان ملل و سایر موسسات منطقوی و بین المللی مرتبط با افغانستان با تمکین و وقار، فراست و بصیرت سیاسی و ملی مصرانه به دفاع از داعیهٔ مقاومت ملی مردم افغانستان پرداخت.

فقید غفورزی طی دوران کاری اش در تعداد کثیری از مذاکرات دو جانبه و چندین جانبه پیرامون مسلهٔ افغانستان، اجتماعات صلح بین الافغانی، جلسات و کنفرانسهای منطقوی و بین المللی اختصاصی بر افغانستان بشمول اجلاس های چند گانهٔ ویژهٔ شورای امنیت و اسامبلهٔ عمومی ملل متحد. نهضت کشور های غیر منسلک، کنفرانس کشور های اسلامی بعلاوهٔ مذاکرات و جلسات عادی دوجانبهٔ بین الملکتی و بین المللی، جلسات سازمان همکاریهای منطقوی جنوب آسیا، مباحثات سازمانهای فرعی ملل متحد چون یونسکو، یونیسف، سازمان خوراک و زراعت و غیره منحیث رییس هییت افغانستان شرکت نمود. ایشان همچنان در روند کاری ترتیب قطعنامه های سالیانهٔ سازمان ملل متحد بر افغانستان شخصا اشتراک داشتند.



شادروان غفورزی شخصیتی آراسته با جوهر عظیم انسانی، عواطف و احساسات رقیق معنوی، فضایل اخلاقی و سجایای شایستهٔ اجتماعی بود. از آلام و مصایب وارده بر مردم افغانستان با رقت سخن میگفت و به اعتلا و سربلندی کشورش عشق میورزید. از تعصب، تفرقه و مرزبندی های قومی، زبانی، نسب و منطقه متنفر بود و خودش را به همهٔ افغانستان متعلق میدانست

شادروان غفورزی شخصیتی آراسته با جوهر عظیم انسانی، عواطف و احساسات رقیق معنوی، فضایل اخلاقی و سجایای شایستهٔ اجتماعی بود. از آلام و مصایب وارده بر مردم افغانستان با رقت سخن میگفت و به اعتلا و سربلندی کشورش عشق میورزید. از تعصب، تفرقه و مرزبندی های قومی، زبانی، نسب و منطقه متنفر بود و خودش را به همهٔ افغانستان متعلق میدانست. عدالت اجتماعی را در گرو تامین برابری اقوام برادر افغانستان بنداشته، کثرت گرایی سیاسی و تحقق حاکمیت قانون در کشور را یگانه راه میسر برای اعادهٔ صلح و امنیت پایدار در افغانستان می انگاشت.

به قهرمان ملی افغانستان مسعود بزرگ احترام و اعتقاد عمیق داشت و ایشان را ممثل وحدت افغانها و نماد اقتدار ملی مردم افغانستان در برابر تجاوز و دسایس بیگانگان و بخصوص پاکستان میپنداشت.

وقار و غرور ملی داشت. میگفت سیاسیون پاکستان حیثیت و عزت ما افغانها را به بازی گرفته اند. باری در یک مواجههٔ رویاروی با سفیر و نمایندهٔ دایمی پاکستان در ملل متحد اظهار داشت که، شاید سیاسیون کوتاه بین کشور شما آنچه در افغانستان روی داده است را بعنوان یک برد سیاسی تلقی کنند. ولی آنچه را نمیدانند اینست که در ازای این همه،ایشان غنیمت بزرگی را نیز از دست داده اند که حصول آن چند نسل وقت میطلبد. و آن اعتماد ملت همسایهٔ مسلمان افغانستان است که دیگر آنرا با خود ندارید.

مرحوم غفورزی در جنب مهارتهای دیپلوماتیک بهره مند از استعداد سرشار در شعر، خطاطی، رسامی، نقاشی و نویسندگی نیز بوده و آثار چندگانهٔ کتبی نیز از خویش بجا مانده است.

شهید غفورزی بتاریخ ۲۱ اگست ۱۹۹۷ در حالیکه صرف چند روزی از تاریخ تقررش بحیث صدراعظم کشور سپری شده و هنوز مراحل تشکیل حکومتش که قرار بود بر بنیاد قاعدهٔ وسیع، شامل ذواتی از داخل و خارج افغانستان تشکیل گردد، نهایی نگردیده و بابت مشورت عازم مرکز ولایت بامیان بود، بالاثر یک سانحهٔ هوایی با جمعی از اراکین همسفر حین ادای خدمت به افغانستان جان به جان آفرین تسلیم نموده و خلعت شهادت بر دوش کشید.

اندکی پس از پخش خبر در گذشت آقای غفورزی، دکتر کوفی عنان سرمنشی عمومی وقت سازمان ملل متحد طی یک اعلامیهٔ صادرهٔ رسمی عنوانی دولت افغانستان، غفورزی فقید را یک دیپلومات ورزیده، متعهد و دوست سازمان ملل متحد و شخصیتی دارای وجههٔ جهانی تلقی نموده، و نبود وی را ضایعه ای بزرگ برای دولت و مردم افغانستان خواند. هکذا در سپتامبر سال ۱۹۹۷، سران و نمایندگان جامعهٔ بین المللی اشتراک کننده در پنجاه و دومین اجلاس سالیانهٔ اسامبلهٔ عمومی سازمان ملل متحد، ضمن بجا آوردن یک دقیقه سکوت، مراتب تاثر و تاسف شان را نسبت به خبر شهادت آقای غفورزی رسما به دولت و مردم افغانستان ابلاغ نمودند.

روح شادروان عبدالرحیم غفورزی را قرین رحمت الهی میطلبم

هفته دسترسی به کتب درسی

فیض

از آن جایی که تعلیم و تربیت و تهیهٔ کتاب درسی مطابق قانون اساسی در افغانستان، برای شاگردان رایگان می باشد. هفتهٔ گذشته (۲۶ اسد)، برنامهٔ توزیع کتب درسی در شهر کابل توسط وزیر معارف، هیأت رهبری آن وزارت و نمایندگانی از پارلمان آغاز و وزارت معارف این هفته را به نام "هفتهٔ دسترسی به کتب درسی" نام گذاشت.

وزارت معارف قبلاً اعلان کرده بود که شصت میلیون کتاب درسی دورهٔ ابتدائیه و ثانوی را چاپ و در اختیار شاگردان سراسرکشور قرار خواهد داد. اما کتاب های دورهٔ ابتدائیه و تعدادی از کتاب های درسی صنوف هفتم تا نهم به مکاتب مرکز و ریاست های معارف ولایاتی که از وضع امنیتی خوبی برخوردار هستند، آن هم نظر به فیصدی ضرورت مکاتب نه به صورت مکمل، در اختیار معتمدان معارف ولایات گذاشته شده است. ولی از کتاب های درسی صنوف دهم تا دوازدهم تا هنوز خبری نیست.

ناگفته نباید گذاشت که اولین اقدام تألیف کتاب های درسی دورهٔ ابتدائیه (از صنوف اول تا ششم) مطابق نصاب تعلیمی جدید، در زمان محمد یونس قانونی رویدست گرفته شدکه در دوره های آخر عهده داری اش در پست وزارت معارف، کار تألیف کتاب درسی چهار صنف به پایان رسید. بعداً در زمان نور محمد قرقین وزیر معارف پیشین، حدود ۱۷ میلیون کتاب دورهٔ ابتدائیه (صنوف اول، دوم، چهارم و پنجم) مطابق نصاب تعلیمی جدید، از هر صنف چند جلد کتاب طبع و در روزهای آخر مسوولیتش توزیع آن ها در چند مکتب شهر کابل افتتاح شد.



با آمدن محمد حنیف اتمر در پست وزارت معارف، توزیع دوبارهٔ همان کتاب ها در یکی از لیسه های شهر کابل آغاز شد و سپس توزیع آن ها به مکاتب سراسر ولایات کشور موفقانه به پایان رسید.

این بار کتاب های درسی صنوف سوم و ششم و باقیمانده کتاب های صنوف دوم و چهارم و پنجم دورهٔ ابتدائیه، چاپ گردید که با چاپ این کتاب ها. دورهٔ ابتدائیه مطابق نصاب جدید تعلیمی تکمیل گردیده است.

کتب درسی دورهٔ ثانوی (از صنوف ۷ الی ۱۲) مورد تجدید نظر قرار گرفته و قسمتی از آن چاپ شده است. هرچند گفته می شود که کاغذ این کتاب ها اخباری و از کیفیت خوبی برخوردار نیست، اما از نبودن بهتر است، چون سالهاست که کتاب درسی حتی در دسترس معلمان قرار نداشته، چه رسد به شاگردان.

این کتاب های درسی دوره ثانوی برای دورهٔ موقت (دوسال) تهیه شده و بعداً کتب جدید به اساس نصاب نوین برای این دوره چاپ خواهد شد، که تحت تألیف مولفین قرار دارد.

آخرین سوار

استاد خلیل الله خلیلی

ابر آشفتهٔ ارغند سیاه
شام هم پردهٔ تاریک مخوف
به سراپای سپین غرافگند

***

باد با طرهٔ آشفتهٔ موج
مست می آمد وبازی می کرد
گاه بر گیسوی سروی آزاد
بی جهت دست درازی می کرد

***

دورتر رود غریوندهٔ مست
تند و مواج خروشان وکبود
چون سپاهی همه جوشن پوش
پیش می آمد و می خواند سرود

***

ظلمت آهسته در آغوش کشید
برج و باروی جلال الدین را
(سیل) فرمود که تا قفل نهند
در آن قلعهٔ پولادین را

***

ناگهان در پی آن شام سیاه
ناله یی از دل صحرا برخاست
(سیل) زان نالهٔ جانکاه حزین
چون سپندی شد و از جا برخاست

***

دید کز دور سواری پیداست
لرز لرزان چو یکی سایه برآب
گاه می افتد وگه می خیزد
دست رفته ز عنان پا زرکاب

***

بر سر اسپ (برایدن) بود
خسته و زار ونحیف و رنجور
شبح بی روح وی اندرظلمات
چو یکی مرده برون جسته زگور

***

ظاهر از رگ رگ او لرزهٔ مرگ
چون تذروی که گریزد ز عقاب
دوخته چشم خجالت به زمین
(همچو عاصی که کشندش به عذاب)

***

خواست تاشرح کند قصهٔ خویش
خشک شد لفظ و فروماند ز راه
(سیل) را دیدن آن منظرشوم
کرد احوال به یک باره تباه

***

گفت ای وای چه افتاده بگو
در تو آثار جنون می بینم
جامه و اسپ ترا سر تا پا
سرخ گردیده به خون می بینم

***

چشم بگشود (برایدن) وکرد
منفعل وار براطراف نگاه
گفت کشتند و بخون آغشتند
افسرورایت و سردار وسپاه

***

جنگجویان دلیر افغان
شیر مردی و شهامت کردند
بر سرچشم کبودان فرنگ
چه بگویم چه قیامت کردند

***

چه سپاهی چو یکی ابر سیاه
مست وشوریده و تندو سرکش
مرگ می ریخت ازآن چون باران
غیظ می جست از آن چون آتش

***

چشم کانون فروزان از خشم
سینه دریای خروشان از کین
نعره چون رعد غریونده بچرخ
حمله چون برق شتابان به زمین

***

آب این مرز بود آتش زا
خاک این قوم بود غیرت خیز
کوه باشد گران وقت ثبات
باد باشند سبک رو زستیز

***

(سیل) فرمود که شیپور زنند
گرد گردند به یک جا لشکر
بر سرقله فروزند آتش
که شود گمشدگان را رهبر

***

صبحگاهان چو از این کاخ کبود
افسر مهر نمایان گردید
باز در طارم مینایی چرخ
تخت جمشید زرافشان گردید

***

سیل بر کنگرهٔ قلعه نشست
خیره بر دامن صحرا نگریست
دید چون نیست زلشکر اثری
زار بر خویش چو دریا بگریست

***

چشم خونبار به بالا افگند
دید چیزی ز هوا می آید
مست ومغرور عقابی از دور
به فضا بال گشا می آید

***

هست در پنجهٔ آن پارچه یی
که از آن پارچه خون می ریزد
گفت این خون دل لشکر ماست
که چنین زار و زبون می ریزد

***

(سیل) ماتمزده از جا برخاست
مرغ، آزاد به کهسار نشست
پرچم حق به فضا گشت بلند
علم ظلم، نگونسار شکست

***

مابرای وحدت و همبستگی درمیان مردم...

مجاهد: ترکمن های افغانستان بیشتر در کدام ولایات سکونت دارند و شمارشان به چند تن می رسد؟

مراد: ترکمن ها در ولایات قندز، مزار شریف، بغلان، جوزجان، سرپل، فاریاب، هرات، هلمند و کابل سکونت دارند و در ۳۹ واحد اداری یعنی ولسوالی ولایات متذکره مقیم می باشند.

مجاهد: در حال حاضر شورا در کدام ولایات دفتر دارد؟

مراد: دفتر مرکزی ما قبل از تأسیس مجمع عمومی، به تاریخ پانزدهم ثور سال روان در شهر مزارشریف ایجاد شد و در آینده تصمیم داریم فعالیت های شورا را در سایر ولایات توسعه بخشیم.

مجاهد: اعضای شورا متشکل از کدام قشر ترکمن هاست؟

مراد: در شورا بیشتر علما، روشنفکران، متنفذین قوم، محصلین، زنان، کسبه کاران و مهاجرین مقیم پاکستان، ایران و عربستان سعودی عضویت دارند.

از طبقهٔ اناث یک دختر فعال و تحصیل کرده که ژورنالیست است به نام "قمری" معاون شورا در امور زنان می باشد و در بسیج بانوان نقش ارزنده دارد.

مجاهد: شورای مرکزی تان چند عضو دارد؟

مراد: اعضای شورا ۱۷۰ نفر است که ده تن آنان نمایندگان مهاجرین کشورهای پاکستان، ایران و عربستان سعودی است.

مجاهد: شما که این شورا را تشکیل دادید بیشتر فعالیت های تان در کدام عرصه تمرکز دارد؟

مراد: در قدم نخست ما تلاش داریم وحدت و یک پارچگی مردم را به عنوان یک نیاز قوم ترکمن نهادینه سازیم و از پراگندگی و بی تفاوتی که درمیان آنها حاکم است جلوگیری نماییم. بعد از آن تلاش داریم در عرصهٔ فرهنگ و زبان ترکمنی که در گذشته ها توجهی به آن نشده و تقریباً در حال اضمحلال و از بین رفتن است، تلاش و کوشش نماییم از طریق نشر و پخش جراید، کتاب و مجلات به این زبان، روح تازه بخشیم.

مجاهد: چرا بعد فرهنگی مورد توجه شورا قرار گرفته و در اولویت کاری تان قرار دارد؟

مراد: من به این نتیجه رسیده ام که آدم می تواند با نان و غذای کم زندگی کند، اما هویت یک قوم بدون فرهنگ و زبان زنده ماندن نا ممکن است، زیرا فرهنگ هویت و چیستی هر ملت را نشان می دهد تا وقتی که مردم ترکمن از فرهنگ و تاریخ خود آگاهی نداشته باشند، هویت ندارند. از طرف دیگر مردم ترکمن نسبت به دیگر اقوام از لحاظ سواد در عقب ماندگی قرار دارند، تلاش ما این است که سطح سواد بالا برود و در نهایت یک ترکمن در افغانستان بی سواد نماند.

مجاهد: وقتی می بینیم که نهادهای مدنی به کار آغاز می کند، بیشتر با شعارهای فرهنگی و انسانی وارد صحنه می شوند اما در عقب این ها نوعی تمایل به مسایل سیاسی هم دارند، آیا شورای انسجام ترکمن ها هم از چنین طرز دید و نگرشی برخوردار است یا خیر؟

مراد: در اساسنامه ما نوشته شده که ما یک نهاد اجتماعی، غیر وابسته و غیر سیاسی هستیم، مگر باز هم همین که مردم را منسجم می سازیم و به آنها زاویهٔ دید نسبت به قضایا می دهیم و از مسایل انتخابات و اهمیت رأی شان آنها را آگاه می سازیم، خود به خود وارد عرصهٔ سیاست می شویم؛ زیرا انسان موجود سیاسی و اجتماعی می باشد و در برابر همچو مسایل بی تفاوت نمی توانیم باشیم، بهترین راه حصول و به دست آوردن حقوق در شرایط فعلی مشارکت سیاسی است.

له برتانوي ښکلاک نه دهیواد د خپلواکۍ د اخستلو د ۸۹ یمې کالیزې په مناسبت

دازادۍ محبوبې ته

ای دآزادۍ محبوبې چیرته یې
بیایې نذرانه د سر راوړي ده
ستاله خمار و سترګو لوګی شمه
بیامې ترانه دسر راوړې ده.
بیایې به مې د وینو شمعې بلې کړم
بیا به یې تا ښکلې ته ډالۍ کړمه
رونې به دې محفل کړم د ښکلا میرې
تا به په جهان کې د سیالۍ کړمه
ګرمه به مې بیا دعشق سندره کړم
مینه به مې بیا هر خبره کړم
ځار به دې له حسنه بیاځوانۍ کړمه
ولې دې له ځانه مروره کړم
نه پرېږدم چې بیا غلې نغمه شي ستا
یا چیرته که غلې هنګامه شي ستا
پرېږده چې په هر پلوته شورکوي

ولې ولې غلې کارنامه شي ستا
هر یوه قدم کې دښمنان ولاړ
هرقدم کې سره و تور لیوان ولاړ
بیابه څولۍ تشه له دې کلي وړي
مخ کې یې متهور ځلمي افغان ولاړ
تاپسې له برکلي راغلي وو
بیاهم له دې لرکلي راغلي وو
هر یوه کچکول له خیره تش یوړو
خواته دې ولاړ ځکه ښاغلي وو
بیا زړه کیسه ده تکرارېږي به
کاڼي په دې چم کې راویږي به
بیا به د دیوانو کیسې ختمې شي
ستا شعلې دحسن لاخورېږي به
ستا ساتنه ښکلې قربانۍ عواړي
سرتلي کې هر افغان نیولې دي

تا ته به یې لاس چیرې ونه رسي
داکه غلیم ټول جهان نیولی دي
تیټ موچاته هیڅکله خلای سرنه کړو
تیټ مو یې چاته سترګې او نظرنه کړو
رپې پرې مدام دازادۍ رپې
تیټ یې له شمشاد وله خیبرنه کړو
لا دآزادۍ په سرکې شور لرم
لاخومې په خپل نغري کې اورلرم
ځکه خوروم د آزادۍ وږمې
پاس دهندوکش په سرکی کور لرم
لوړدي پرجهان دنړۍ بام زما
اویې به سرلوړی په کې قام زما
ګرم دې همیش پرې محفلونه وي
تل داحماسه د ننګ و نام زما

فدامحمدفایض

امام ابو حنیفه رحمة الله علیه ژوند او د هغه سیاسي مواقف

لیکنه : محقق عبدالناصر (شفیق)

له همدې امله امام رحمة الله علیه په خپل ژوندون کې دمختلفوپاځونونوپه باره کې دځانګړي مؤقف خاوندؤ. امام ابوحنیفه رحمة الله علیه پدې عقیده ؤچې بني امیه دامامت مستحق نه ؤاوعلویانو سره یې دزړه مینه نه ؤ ویلي کیږي چې :کله زید بن علي په کوفه کې، دهشام بن عبدالملک پرخلاف پاځون کولو نوامام صاحب یې هم پلوي ؤ اوپخپله یې ورسره په کې برخه وانخسته خوپه مالي توګه یې ورسره دمرستې وعده وکړه اودهغه د قیام په هکله یې وویل چې د((زید)) قیام په بدر کې درسول الله صلی الله علیه وسلم له اقدام سره مشابه دی

د امام رحمة الله ژوند ته یوه کتنه:

امام ابوحنیفه رحمة الله علیه دزهد او تقوی ، سعادت او رفاهیت دژوند لرلو تر څنګه دسیاسي مواقفو په ډګر کې دیوانقلابي اوله از مېښتونو ډک ژوند څښتن ؤ .

امام د خپل ژوند په اوږدوکې چې تېول تال اویاکلونه کیږي ، دخپل علمي مقام اوحق ګویې لامله دډېروامتحانونو سره مخ شوی ؤ خو په دوومرحلو کې د ډېرسخت امتحان لاندې راغلی ؤ چې په دوهم خل امتحان کې دپرله پسې ظلمونولامله دشهادت درجې ته هم ورسیده .

امام ابوحنیفه رحمة الله علیه دخپل ژوند (۵۲) کلونه دامویانو دخلافت او پاتې (۱۸) کلونه یې دعباسیانو دخلافت په وخت کې تېرکړي دي ، هغه دامویانو دخلافت دلوړتیا او ځوړتیا پړاؤنه اوهمدارنګه یې دعباسیانو دخلافت لومړنی موده په خپلوسترګو لیدلی وه چې دهغوی دسري حرکتونو څخه نیولې تردخلافت په ګدۍ دکښېنا ستلو پورې مراحل یې له نږدې څخه تعقیب کړي اولیدلی ؤ .دکوم لامله چې دوخت دخلیفه ګانو او چارواکو ژوند اوظالمانه پالیسېو دهغه په نفس ، روح او روان زور آغیز پرېښی ؤ ، چې مونږ به په خپله دې مقاله کې - چې دامام دسیاسي دریځونو ترعنوان لاندې لیکلی شوی - دنوموړي لخوا دسیاست په ډګر کې د مختلفو موضوعاتو په هکله نیول شوي مواقف اودوخت دچارواکو سره دهغه کړنلاره اوتعامل بیان کړو .

امام ابوحنیفه په علمي ډګر کې دوخت دسترمجتهداو مفتي په توګه دې ته اړؤ چې په خینو علمي موضوعاتو لکه:

الف: دحاکمیت پر مسٔله

ب: دخلافت دانعقاد پر مسٔله

ج: دفاسق او ظالم دامامت پر مسٔله او پروړاندې یې دامت د مسٔولیت په هکله.

د: د بیت المال په هکله.

هـ: دعدلیې اوقضاء د آزادۍ په هکله.

و: او د نظر او فکړد آزادۍ اوبیا لاخره دظالم حکومت پر خلافت د پاځون دمسٔلو په اړه ، علمي نظریات څرګند کړي . چې مونږ به پدې علمي مقاله کې . دهرې موضوع په اړه دامام ځانګړي نظریات او مواقف بیان کړو او ددغه ستر فقیه او مذهب خاوند شخصیت علمي دریځونه اوسیاسي مواقف او دوخت دخلیفه ګانو اوامیرانو په وړاندې دهغه له فتواګانو اودمتانت او مقاومت له مثالونو څخه یادؤنه وکړو.

۱- دحاکمیت په مسٔله کې:

له دې موضوع څخه مقصد دادی چې په اسلامي خلافت یا ریاست کې حاکمیت (حکم کؤنه)دچا حق دی؟ او چاله دی؟ پدې باره کې دامام ابوحنیفه رحمةالله نظرداسلام له هغه بنیادي نظریې څخه عبارت دی چې دژوند په ټولو چاروکې حقیقي حاکم الله جل جلاله ګڼي . دپیغمبر صلی الله علیه وسلم څخه اطاعت او حکم منښه دهغه جل جلاله دنماینده اورالیږل شوي په توګه کیږي او دالله جل جلاله او پیغمبر شریعت - چې دالله جل جلاله دکتاب او دپیغمبر صلی الله علیه وسلم له سنتوڅخه عبارت دی - هغه له ټولو ستر .قانون دی چې پروړاندې یې له منني اواطاعت څخه بله لیار نشته دی

۲- دخلافت دانعقادمسٔله په مسئله کې:

د خلافت په اړه دامام ابوحنیفه رحمةالله علیه نظرداؤ چې لومړی دزور او اکراه له لیارې دخلافت لاسته راوړل اوبیاد تهدیداو ګواښ له لیارې دبیعت اخستل ، دخلافت دانعقاد رواأو صحیح لیار نده ، بلکې په ریښتني توګه خلافت هغه دی چې دنظر دخاوندانو داجتماع اومشورې په نتیجه کې پرې ځوک وګمارل شي . امام دغه نظر په داسې وخت کې دوخت دچارواکو په وړاندې بیان کړی ؤ چې داسې خبرې کول دخلکو په عقیده دسرد پریکېدو لامل ګرځېده .

۳- دفاسق اوظالم دامامت او خلافت په مسئله کې:

د امام ابوحنیفه رح ترزماني پورې دخلافت دصحت دشرطونو بیان ،لکه چې وروستیو محققینو عالمانو : علامه ماوردي ، ابن خلدون اوداسې نورو وروسته وکړ ،نه ؤشوی ، مسلماني ، نارینتوب ، علم لرل او دحواسو اوبدن دغړو سلامیتا هغه شروط ؤ چې دټولو په وړاندې منلي شوی ؤ . البته دوه صفتونه داسې ؤ چې په اړه به یې بحث اومناقشه کېده ، یودا چې آیا دظالم او فاسق امامت صحیح دی ؟یعني داچې ظالم او فاسق کولای شي چې خلیفه وګرځي اوکه نه ؟ اودوهم دقریشي توب شرط ؤ :دظالم اوفاسق دامامت اوخلافت په هکله دامام ابوحنیفه نظردوه اړخونه لرل چې باید پرې ځان صحیح پوه کړو ، کوم مهال چې امام پدې هکله خپل نظرڅرګندولو نوهغه مهال دوه افراطي نظرونه په ټوله اسلامي نړۍ اوپه ځانګړې توګه په عراق کې موجودؤ : له یوې خوا په ډېر زوړ او شور داشعار او چتېده چې دظالم او فاسق سړي امامت (مشري اوخلافت) په بشپړه توګه ناروادی او داچې دهغه داداري لاندې هېڅ ټولنیز کار په سمه اوښه توګه سرته نه رسیږي اوله بل پلوه ویېل کېده چې ظالم اوفاسق سړی که په هره توګه پر هیواد (دمسلمانانو په واکمنۍ) قابض شي ،دواک داستحکام اوپیاوړیتوب وروسته یې خلافت اوامامت پوره رواوالی اوصحت لري ، چې ددې دواړوافراطي نظرونو ترمینځه امام ابوحنیفه یو معتدل نظر غوره کړی ؤ.

۴ – دبیت المال په اړه

دوخت دخلیفه ګانو دهغو کارونو څخه چې دامام رحمة الله علیه په وړاندې ډېر داعتراض لاندې ؤ دهغه په نظر دامام اوخلیفه لخوا ظلم کول اوپه بیت المال کې خیانت دیو خلیفه اوامام دامامت له مینځه وړلوپه معنی ؤ .ان تردې چې دامام صاحب په وړاندې داروا نه وه چې له بیرون څخه خلیفه ته هدایا راشي اوهغه یې ملکیت وګڼي بلکې دا د ول مالونه دامام ابوحنیفه رح په وړاندې دولتي شتمني وې؛ ځکه که چیري هغه دپراخې اسلامي نړۍ خلیفه اوپدې بنیاد دټولنیز حیثیت اوشهرت خاوند نه وای نوچاورته هدیه اوډالۍ نه رالیږلې

۵- دعدلي او قضاءدازادۍ په باره کې:

دعدلي او قضاء په هکله دامام صاحب نظر داؤ چې دعدالت دتامین په منظور نه یوازې داچې قضاء دې باید داجرائیه قوی له مداخلې او آغیزڅخه آزاده وي بلکې قاضي باید تردې حده دواک خاوند اوسي چې که په خپله خلیفه دخلکو په حقوقو متجاوز کوونکی وګرځي نو چې قاضي یې په هکله حکم ورکړای شي لکه چې دخپل عمر دپای په کلونو کې یې کله چې باور پدې پوخ شو چې حکومت به یې نور ژوندی پرینږدي ،نوخپل شاګردان یې راغوند کړل او ورته یې دخبرو په دوران کې وویېل چې (که چیري خلیفه دانساني حقوقواړوند کوم جرم مرتکب وګرځي نوبایدچې نږدې قاضي (قاضي القضات)یې پرخلاف حکم ورکړي.او دامام رحمة الله علیه لخوا دبني امیه ؤاو بنو عباس په زمانو کې دقضاء له دندې منلو څخه دانکار عمده لامل اودلیل هم داؤچې دهغه رحمة الله علیه په نظر په دغه دواړو دورو کې قضاء آزاد حیثیت نه درلوده اوبلکې دهغه په نظر نه داچې پر خلیفه باندې دپریکړې دصادرېدو زمینه برابره نه وه بلکې داویره هم ورسره وه چې چیري دخلیفه لامله په ناروا او نیمګړو پریکړو مجبورنشي

امام صاحب به همیش دعدالتونو په وړاندې دازادۍ غوښتنه اوعقیده لرله :که چیري کوم عدالت به نیمګړې پریکړه وکړه اویابه په کې کومه قانوني اشتباه موجوده وه نوامام صاحب به هغه په ډاګه کوله :دهغه رحمة الله علیه په وړاندې دعدالت احترام په دې معنی نه وو چه عدالتونه اوقضاء ګانې دې ګویا نیمګړې پریکړې وکړي .ددې نقصان په نظر کې نیولو له مخې هغه ترډېرې مودې دفتواله ورکولو څخه ځان ژغورلو .درائې اونظر د ازادۍ په لړکې هغه تردې حده وړاندې تللې وو چې ویېل به یې :که چیري یو څوك دوامشرتابه توب اوعادل حکومت په وړاندې خوله خلاصه کړي اودوخت امام ته ښکنځلې وکړي اویایې دوژلو تصمیم ونیسي نو دهغه زندان ته دورنیولو او په سزارسولوحق له امام (واکمن)سره نشته ترڅوچې دوسله وال پاځون اویادامنیت داخلال (له منځه وړلو)اراده ونلري .پدې هکله به امام صاحب دحضرت علي کرم الله وجهه دریځ داستدلال په توګه وړاندې کاوه . وایي چې دهغه رضي الله عنه دخلافت په مهال یو خل په کوفه کې پنځه کسان خلیفه ته دښکنځلو په تورونیول شول اوپریو یې داتورلګولي شوي ؤ چه هغه ،دخلیفه په وژنې کې لاس لرلو خوعلي کرم الله وجهه یې بیاهم دآزادلو حکم ورکړ ،ورته وویېل شو چې هغه خود خلیفه دوژني اراده کړې وه ،علي رضي الله عنه وفرمایېل چې :آیا هغه دخپلې دغې ارادې په بنیاد له مینځه یوسم ،بیا ورته وویېل شو چې داخلك ښکنځلې کوي ،ویې فرمایېل :که چیري تاسو وغواړۍ نوداډول ښکنځلې ورته کولاې شئ .نوپه دې توګه به امام صاحب دحکومت دمخالفینو دنظر په آزادۍ کې دحضرت علي کرم الله وجهه له کړنې څخه استدلال کاوه اودخوارجو په هکله به یې هغوۍ ته ویېل: (مونږ به تاسو له مساجدوڅخه ونه نیسو اومونږ به تاسي له ازادومالونو څخه محروم نکړو ترڅو چې تاسو ځماپرخلاف په وسله وال پاځون لاس پورې نکړئ

۶- دعقیدي او نظر د څرګندولو د ازادۍ په هکله:

امام رحمة الله علیه دقضا ، او دعدلیې دآزادۍ عقیدې او نظر آزادۍ ته هم دځانګړې اهمیت معتقدؤ . امام صاحب ددې حق لرلو احساس ځکه کاوه چې دهغه رحمةالله علیه په زمانه کې له مسلمانانوڅخه سیاسي آزادۍ ترورل شوې وه چې په نیتجه کې یې خلك دامربالمعرف اونهی المنکر دفریضې په هکله دتذبذب ښکارشوي ؤ. ځکه له یوې خوا مرجئه ؤ دخپلو عقاید د تبلیغ له لیارې خلك دګناه په کولو سره زړورکول او دبلې خوا حشویه ډله پدې قایل وه چې دامربالمعروف اونهی عن المنکر کول ددولت په وړاندې له فتنې پرته بل شی ندی اوورسره ورسره بني امیه ؤ اوبني عباسو دحق وینا کوونی دغه حق په مسلمانانو کې له مینځه وړلو .ځودحاکمانو د ظلمونو او فسقونو پرخلاف ځوك آواز اوچت نکړي .چې له همدې امله امام صاحب دخپل عقل اووینا په وسیله دغه حق په خلکو کې غوښتل ،ژوندی کړي .لکه چې دابراهیم الصائع (دخراسان دمنطقې مشهورفقیه) لخوا د امربالمعروف او نهي عن المنکر د فرضیت په هکله د پوښتنې په ځواب کې یې فرمایېلې ؤچې : په ښکیوامر کول اوله بدیوڅخه ژغورل فرض دي او دعکرمه په اسنادیې له ابن عباس رضی الله عنهما څخه دپیغمبر صلی الله علیه وسلم دغه ارشادخلکوته څرګندولو چې فرمایي : (دشهیدانو غوره یوازې حمزه رضی الله عنه دی او دوهم هغه ځوک دی چې دظالم امام (واکمن) پرخلاف پاڅیږي: په ښکیوامر وکړي اوله بدیوڅخه یې منع کړي). او چې کله خراسان ته ولاړنو په ۱۳۶۱ه کال دعباسي سلطنت دلومړي خلیفه ((ابومسلم خراساني)) دظلمونواو په ناحقه وینوتوئیولو باندې یې په ډاګه اعتراض وکړ.چې په نتیجه کې دهغه ظالم لخوابیااعدام کړای شو .

۷- دظالم حکومت پرخلاف د پاځون موضوع :

دامام صاحب په زمانه کې له تولو مهمه مسٔله داوه چې که چیري دوخت امام ظالم اوفاسق وي نو آیا پرخلاف یې پاځون روادی،اوکه نه ؟

پدې هکله اهلسنتوبیلابیل ضداونقیض نظرونه لرل : داهلحدیثویوه ډله پدې باوروه چې یوازې دژبې په وسیله به دظلم اوزیاتي پرخلاف آواز اوچتولي شي اودحق کلمه به یې پرخلاف ویېلي شي خوپاځون به یې پرخلاف نشي کولاي .که څه هم په ناحقه دوینو توئېدو او مرتکب شوي هم وي اویایې دخلکوپر مالونوتیری کړی وي او په ډاګه یې په فسق اوفساد لاس پوری کړي اوسي .مګرامام ابوحنیفه رحمة الله علیه بیاداعقیده لرله چې دظالم اوستمګر امامت (واکمنۍ)نه یوازې داچې باطل ده،بلکې پرخلاف یې قیام (پاځون) رواولازم دی خوپدې شرط چې دیوکامیاب اوګټوربدلون امکان اوسي اودظالم اوفاسق واکمن ځاي یوعادل اوصالح انسان ونیسي اودپاځون نتیجه یوازې دقواوواوروان په نابودۍ (له مینځه وړلو)تمام نشي .

له همدې امله امام رحمة الله علیه په خپل ژوندون کې دمختلفوپاځونونوپه باره کې دځانګړي مؤقف خاوندؤ.امام ابوحنیفه رحمة الله علیة پدې عقیده ؤچې بني امیه دامامت مستحق نه ؤاوعلویانو سره یې دزړه مینه موجوده وه خوله شیعه ګانو څخه هم نه ؤ .ویلي کیږي چې :کله زید بن علي په کوفه کې دهشام بن عبدالملك پرخلاف پاځون کولو نوامام صاحب یې هم پلوي ؤ اوپخپله یې ورسره په کې برخه وانخسته خوپه مالي توګه یې ورسره دمرستې وعده وکړه اودهغه د قیام په هکله یې وویېل چې د((زید)) قیام په بدر کې درسول الله صلی الله علیه وسلم له اقدام سره مشابه دی

امام صاحب په آوایلو کې له عباسي خلیفه ګانو سره بیعت وکړ ،ځکه چې دامویانو له ظلمونوڅخه خلاصون یې په همدې کې لیده خو کله چې عباسیانو هم لومړی ابومسلم خراساني اوبیا منصور دعلي کرم الله وجهه له اولادې سره دښمني او عداوت پیل کړ . پداسې حال کې چې دعباسي پاځون سره متوازي علویانو دسری مبارزې په آغاز کې پخپله منصور هم ورسره ؤ خوواك ته درسیدلو وروسته هغه هم په علویانو ظلم اوزیاتي شروع کړ او دامام صاحب له علویانو سره مینې هغه دې ته وهڅاوه چې کله [النفس الزکیه](محمد بن عبدالله بن حسن) په (۱۴۵هـ)کال په پاځون پیل وکړ ملاتړیې وکړي ځکه دغه مهال دامام علمي شهرت هم دعراق خاورې د لوی فقیه تربریده رسیدلي ؤ او پلویان یې هم په خراسان ،الجزیره ري ،طبرستان ،یمن او شمالي افریقا کې پیداشوي ؤ نو[محمدبن عبدالله] په حجاز کې او ورور یې (ابراهیم بن عبدالله)په بصره کې دخپل امامت دعوت پیل کړ او په عملي توګه یې پاځون شروع کړ چې امام صاحب ورسره هم په بشپړه معنی ودریده .او داخلې دامام موقف دظلم پرخلاف د[زید] په وخت کې له خپل موقف څخه ډېر څرګند ؤ

استعفای جنرال پرویز مشرف

و سیاست های بعدی پاکستان به ارتباط افغانستان

ف. سلیمانخیل

پاکستان تا زمان سقوط حکومت داکترنجیب با افغانستان یک مشکل داشت و آن مسأله متنازعه خط دیورند بود ولی بعد از شکست روس ها در افغانستان تجزیهٔ شوروی پاکستان اهداف بیشتری را در افغانستان دنبال می کند

***

رفتن وآمدن افراد و حکومت نظامی و یا حکومت ملکی براین سیاست ها اثرگذارنیست

جنرال پرویز مشرف که به تاریخ ۱۲ اکتوبر ۱۹۹۹ از یک سفر رسمی از سریلانکا بر می گشت طیارهٔ حامل وی هنوز در حالت پرواز بود که رادیو تلویزیون پاکستان، عزل او را اعلان کرد و به جای او جنرال ضیاء الدین بت که آن زمان رئیس آی ایس آی و از افراد با اعتماد نواز شریف بود به سمت لوی درستیز پاکستان مقررگردید. آقای جنرال عزیز، جنرال محمود قوماندان قول اردوی راولپندی، جنرال حسن سلیم حیات و تنی چند دیگر از جنرالان طرفدار مشرف فوراً رادیو تلویزیون پاکستان را محاصره و نشرات آن را قطع کردند. این حرکت مردم را هشدار داد مردم از این حرکت دانستند که عملی در حال انجام شدن است.

جنرال مشرف را در طیاره درجریان گذاشتند او هم با کودتا موافقه کرد وطیارهٔ حامل او درحالی که اظهارات شدید امنیتی از طرف قول اردوی کراچی گرفته شده بود درمیدان هوایی کراچی نشست، در همان جا همه برنامه تهیه شد و جنرال مشرف را از آن جا به اسلام آباد انتقال دادند و اولین سخنرانی خود از طریق رادیو تلویزیون را ایراد کرد.

نواز شریف گرفتار و به زندان انتقال داده شد، برادر او شهباز شریف وزیر اعلای ایالت پنجاب نیز گرفتار گردید، هچنان جنرال ضیا الدین بت که جدیداً به حیث لوی درستیز اعلان گردیده بود در عقب میله های زندان انداخته شد. جنرال مشرف، نواز شریف و برادرش را در زندان شکنجه کرد و اگر پای عربستان سعودی درمیان نمی بود، امکان داشت برای او دوسیه ساخته و او را به دار می آویخت ولی به اثر فشار سعودی موافقه کرد که موصوف برای ده سال با خانواده اش جلای وطن شود که این خود یک ظلم صریح بود: زیرا پدر و زن و فرزندانش که کدام گناهی نداشتند. حتی پدر او میا محمدشریف در عربستان وفات کرد و جسد او را به لاهور انتقال دادند، ولی نواز شریف اجازه نیافت تا جسد پدر خود را مشایعت کند. باری نواز شریف و برادرش شهباز شریف قصد برگشت به پاکستان را کردند. حتی ستره محکمه فیصله کرد کسی حق ندارد او را از آمدن به کشور منع کند، ولی مشرف او را دوباره به سعوی برگشتاند. تا آنکه قبل از انتخابات ۱۸ فبروری سال جاری به کشور برگشت. البته در فاصله کمی قبل از او بی نظیربوتو به کراچی برگشت و مورد استقبال بی نظیری از هوادارانش قرار گرفت ولی مراسم استقبال او همراه با حملات شدیدی بود که جان قریب به یکنیم صد نفر را گرفته و صدهاتن دیگر را مجروح ساخت، ولی خود او آسیبی ندید ولی بالاخره به تاریخ ۲۰۰۷/۱۲/۲۷ در شهر راولپندی حینی که بعد از سخنرانی در یک جلسه انتخاباتی بر می گشت آماج حملهٔ قاتلانه قرارگرفت که کشته شدن او خود معما است. گرچه کشته شدن بی نظیر را عمدا به یک معما بدل کردند ولی کسانی که درجریانات سیاسی پاکستان مطالعه دارند به زودی می توانند حدس بزنند که چه دست های در قتل او می تواند سهیم باشد. بی نظیر بوتو با یک برنامه و بایک حمایت بیرونی به کشورش برگشته بود و برای حامیان بیرونی خود تعهداتی داده بود که ادارهٔ استخبارات پاکستان را تهدیدی برای پاکستان به خصوص اردوی پاکستان می پنداشتند.

خوب حال بر می گردیم به سیاست های مشرف در قبال افغانستان. مشرف بدون شک یک دکتاتور بود، زیرا او هم لوی درستیز قوای مسلح پاکستان بود هم رئیس جمهور، رسیدن او به اریکهٔ قدرت نیز با حمایت امریکا صورت گرفت، زیرا به قدرت رساندن چنین جنرالی که به افتخار به دوستان سیاسی خود می گفت هر لحظه یی که خواسته باشد می تواند با مقامات امریکایی تماس تلفونی برقرار کند. برای امریکا ضرور بود، زیرا پیاده شدن استراتژی امریکا که حوادث یازدهم سپتامبر برای آنها بهانه یی بود، نیازی به چنین یک جنرال وفادار پاکستانی بود.

چودری شجاعت حسین که از چودری ها با نفوذ گجرات و از رهبران حزب مسلم لیگ بود از این حزب انشعاب کرد، دوستان سیاسی نواز شریف تحت فشارهای مشرف قرار گرفتند وهمراهان چودری شریک اقتدار شدند.

مشرف در همان اولین لحظات وقوع حادثه یازده سپتامبر به خواست امریکا پاسخ مثبت گفت و به اصطلاح درخط اول در برابر تروریزم قرارگفت. بازی در منطقه به نام مبارزه با تروریزم آغاز شد.

هم نیاز امریکا وهم نیاز پاکستان است که باید منطقه را متشنج نگه دارند، به خاطری که در صورت تأمین امنیت، هم مردم افغانستان از امریکا می خواهند قوایش را از این کشور بیرون کند، و هم در خود امریکا و کشورهایی که قوای شان در افغانستان مستقراند، خواهان خروج آنان از افغانستان می شوند.

حال که مشرف به تاریخ ۲۸ اسد سال جاری از مقام ریاست جمهوری پاکستان استعفا داد، گمانه زنی هایی وجود دارد که سیاست های بعدی پاکستان به ارتباط افغانستان چه خواهدبود، کسانی که درسیاست پاکستان مطالعه دارند می دانند که آی ایس آی برنامه منظمی دارد که رفتن وآمدن افراد و حکومت نظامی و یا حکومت ملکی براین سیاست ها اثرگذارنیست، به خاطریکه افراد می روند و می آیند، احزاب سیاسی میروند ومی آیند حکومت ها رد وبدل می شوند ولی آی ایس آی خود را یگانه مسؤول حفظ تمامیت ارضی ملی پاکستان می داند. یعنی آی ایس آی یک نام وابسته به پاکستان است. و این از آنجا ناشی می شود که پاکستان ظاهرا به نام اسلام ساخته شد:

پاکستان کا مطلب کیا

لا اله الا الله

درحالی که هدف از تشکیل پاکستان چیزی دیگری بود و آن جلوگیری از پیشروی روس و این کار با یک روحیه اسلامی ممکن بود وهست چنانچه حین تجاوز شوروی به افغانستان ثابت همه شد. بناء اینکه آی ایس آی هر دوره را به نام مجاهد در آغوش می گیرد چنین نیست بلکه دین یگانه وسیلهٔ حفظ تمامیت ارضی پاکستان است در غیر آن پاکستان، یک کشور کاملا مصنوعی است.

پاکستان تا زمان سقوط حکومت داکترنجیب با افغانستان یک مشکل داشت و آن مسأله متنازعه خط دیورند بود ولی بعد از شکست روس ها در افغانستان تجزیهٔ شوروی پاکستان اهداف بیشتری را در افغانستان دنبال می کند.

۱–خاموش کردن صدای خط دیورند.

۲–پیشروی و تخلفات مرزی چنانچه به شمول منطقهٔ مهمند تا سرحدات جنوب وجنوب غرب افغانستان درچندین نقطه پاکستان پیش آمده ولی افغانستان در خواب خرگوش فرورفته است وقوت تصمیم گیری دراین رابطه را از دست داده است.

۳–افغانستان را به همین حالت فعلی نگهداشتن تا بازارخوبی برای فروش کالای بی کیفیت تجارتی شان باشد.

۴–اجازه ندادن به افغانستان تا از دریاهای که آب آن بعه پاکستان میرود از جمله دریای کنر، استفاده کند.

۵–جلوگیری از توسعه روابط هندوستان وافغانستان چنانچه من خود دوسه بار از طریق رادیو تلویزیون پاکستان حین سخنرانی های جنرال مشرف شنیده ام که ما اجازه نخواهم داد تا درغرب افغانستان هندوستان دیگری تشکیل شود.

۶–استفاده از جنگلات و معادن افغانستان چنانچه انجینر جمعه محمد محمدی وزیر پیشین معادن وصنایع حین سفر به پاکستان قربانی همین سیاست ها شد ولی دولت افغانستان خاموشی اختیار کرد.

۷–برقراری روابط اقتصادی وتجارتی با کشورهای اسیای میانه از طریق افغانستان وحتی اگر ممکن شود استفاده از برق وگاز آسیانه میانه.

۸–مصروف نگه داشتن توجه جهانیان از پیشرفت های نظامی به خصوص موشکی و هستوی پاکستان

۲ – جلوگیری از تقویت عواملی که باعث تجزیه پاکستان شود.

اکنون که مشرف استعفا داد وجای آن را حزب مردم ومسلم لیگ نواز شریف گرفت، حالت کنونی افغانستان ادامه سیاست هایی است که در زمان زمامداری همین دو حزب هسته گذاری شد، بناءً به هیچ عنوان نمی توان از این دوحزب امید خیر نمود. حتی نیات احزاب مذهبی پاکستان به ارتباط افغانستان خیلی خطرناکتر از نیات این دوحزب است چنانچه یوسف رضا گیلانی حتی باآنکه حین سفر اخیرش به امریکا اسنادی برایش مبنی بر حمایت آی ایس آی از اقدامات دشمنانه علیه افغانستان ارایه گردید، ولی او درحرف آخرتنها دعوا کرد که در زمینه تحقیق خواهد کرد که می دانیم یک حرف هوایی است. تا جایی که ارتباط می گیرد به توانمندی حکومت موجود در رابطه با مهارکردن آی ایس آی آن را در موضوع مربوط ساختن آی ایس آی با وزارت داخله پاکستان و برگشتن حکومت از تصمیمش در نتیجهٔ تهدیدات لوی درستیز آن کشور آزمودیم.

پاکستان در برخی موارد خواسته یا نخواسته با امریکا کله می جنباند زیرا هر دو یکی به دیگری نیاز دارند ولی از طرف دیگر، پاکستان حضور امریکا در افغانستان را تیغ آخته بر سرش نیز می داند، بناءً خیلی ماهرانه بازی می کند. هم از حاتم بخشی های امریکا مستفید می شود چنانچه تا به حال شده است و هم جلو قهر امریکا را می گیرد وهم با خطر موجود بالقوه خیلی ماهرانه مقابله می کند.

جنگ و شورش در کشور وارد ...

کشته شدن ۱۰ ازسرباز فرانسوی عضوآیساف وزخمی شدن ۲۱ تن آنان به تاریخ ۲۸ اسد درمنطقهٔ اوزبین سروبی و در ۵۰ کیلومتردر کشورشرق کابل، که دریک جنگ رویاروی و در روز روشن صورت گرفت، نشان داد که جنگ وارد مرحلهٔ حساسی شده است.

یک روز پیشتر حملهٔ شدیدی توسط طالبان علیهٔ پایگاه سالرنو مربوط سربازان امریکایی درولایت خوست صورت گرفت، مرحلهٔ نخست این حمله توسط شش تن انتحارکننده اجرا شد، این حمله نیز رویدادی بی سابقه بود ، دقایق بعد تر یک انتحارکننده حملهٔ دیگری درهمان محل اجرا نمود، یک روزقبل حملهٔ دیگرانتحاری نیزبالای پایگاه سالرنو اجراشده بود که ده تن کشته بجای گذاشت، پولیس درولایت خوست اعلان کرد درهمان روز ازوقوع یک حملهٔ انتحاری دیگردرآن منطقه جلوگیری نموده است.

قتل سربازان فرانسوی از دید صاحب نظران تحول چشم گیری در توانمندی جنگی طالبان دانسته می شود این حادثه بزرگترین پیروزی طالبان ازسال ۱۳۸۰بدین سو علیه نیروهای بین المللی شمرده می شود، نیکولاس سرکوزی رئیس جمهورفرانسه که به دنبال این حمله به کابل سفرنمود، دراظهارات خویش درديداربا حامد کرزی وسربازان فرانسوی برتداوم همکاری فرانسه با جامعه جهانی درجنگ علیه طالبان والقاعده تاکید کرد، اما تحلیلگران ازسفررئیس جمهور فرانسه به افغانستان وبازگشت وی درهواپیمای که اجساد سربازان کشته شده رامنتقل می نمود نتیجه گیری نمودند که سفرسرکوزی حساسیت شدید دولت وملت فرانسه را به نمایش گذاشت، این بزرگترین تلفات نیروهای فرانسه پس ازجنگ لبنان درسال ۱۹۸۳ سروصداهای زیادی را درمیان مردم فرانسه که دو سوم آنان مخالف ماموریت سربازان کشورشان درافغانستان می باشند به میان آورده است.

تحول و پیشرفت شیوه ها و تکنیک های جنگی مخالفان مسلح پی آمد های خطرناکی برای ثبات وامنیت در افغانستان داشته ، نیروهای خارجی ودولت را بیش ازپیش تحت فشار قرار می دهد. یکی ازاین پی آمدها ازمیان رفتن امنیت شاهراه ها ومحاصرهٔ پایتخت است، هم اکنون راه های منتهی به کابل ازسوی جنوب وغرب بشدت توسط افراد وگروهای مسلح نا امن گردیده است، روزانه حوادث به آتش کشیدن وسایط مربوط به قوای بین المللی ودولت دراین مسیرها به چشم می خورد، مامورین وسربازان دولت نمی توانند بدون حمایت قطعات نظامی دراین راه رفت وآمد نمایند. حادثهٔ سروبی این نگرانی را در میان شهروندان پایتخت به میان آورده است که مخالفان توانمندی نا امن سازی راه شرقی کابل را نیز بدست آورده اند.

گسترش فعالیتهای طالبان درولایات همجوار کابل، که تقریبا به اخبارروزانه تبدیل گردیده است، مردم را به یاد وضعیت پایتخت دردهۀ شست خورشیدی می اندازد که هزاران سرباز خارجی ودولتی نمی توانستند راه های منتهی به پایتخت را بازنگهدارند وامنیت آن را تامین کنند.

اما هنوزهم شماری به این نظراند که با گذشت زمان دروضعیت بهبودی حاصل گردیده وثبات وامنیت بازخواهد گشت، با توجه به امکانات گستردهٔ نیروهای خارجی مخصوصا ایالات متحد امریکا، چنین تحلیلی درسال ۲۰۰۲ ودرپی فروپاشی طالبان طرفداران بی شماری داشت، گمان غالب این بود که امریکا می تواند هرشورشی مسلحانه را سرکوب نماید و نا بسامانی های کشوررا حل کند، اما برخلاف این توقع وانتظار، وضعیت به صورت دوامدار رو به وخامت نهاد، بطوریکه اکنون دیگرجای آن خوشبینی های اولیه را یاس ونگرانی گرفته و اعتماد مردم قدرت های شکست ناپذیر و وعده ها و شعارهای دولتمردان افغانستان ازمیان رفته است.

وضعیت کشور روز تا روز با وضعیت زمان اشغال اتحادشوروی همانندی می یابد، تفاوتی که دراین مقایسه برجسته به نظر می رسد این اشت که، طالبان وسایر گروه های شورشی، در بخش های عمدهٔ کشورمانند شمال، مرکز، غرب وشمالشرق تاهنوز دریافتن پایگاه وحمایت مردم موفقیتی بدست نیاورده اند، اما این مناطق نیزوضعیت شکننده داشته می تواند بی ثباتی به آنجا نیز راه یابد، همانطوریکه جسته وگریخته در آن مناطق نیزحوادثی از این نوع رخ می دهد.

وخیم شدن وضعیت امنیتی درکشورنشان می دهد که جامعهٔ بین الملل تا هنوز از راه کارها وسیاستهای اشتباه آمیزی درافغانستان استفاده کرده اند ولازم است دراین راه کارها وسیاستها بازنگری اساسی به میان آورند، توجه به راه های سیاسی جهت حل بحران، توسعهٔ قاعدهٔ مشارکت ملی تقویت نیروهای مسلح افغانستان اردو و پولیس ودستگاه های امنیتی افغانستان واصلاح اداره درکشور، توجه به وضعیت دردناک اقتصادی و فقر وبیکاری مهمترین نکاتی است که جامعهٔ جهانی ودست اندرکاران نظام باید آن را مورد توجه قراردهند.

آیا چنین تغییراتی ممکن است؟

این بزرگترین پرسشی است که از چندین سال بدین سو بی پاسخ مانده است.

طرح پیشنهادی برای انکشاف زراعت در کشور



جلال گردیزی

در گذشت شش سال دوران حکومت هیچ فرد حاضر به سرمایه گذاری در زراعت نشد چنانچه در اول وهله مقام وزارت زراعت در سدد تشویق سکتور خصوصی بود که تا حال صورت نگرفت. من معتقد هستم که دولت سکتور خصوصی را به اساس یک سیستم رقابتی در سرمایه گذاری، در عرصهٔ زراعتی، عیار سازد تا در بازسازی و نوسازی عرصهٔ زراعت کشور، سهم گسترده بگیرند

بخش اول

من به این باورم که کارهای بزرگ و پروژه های که به هزینهٔ مالی زیاد در سکتور زراعت نیاز دارد، نمی توان با آماده گی های ناچیز، ظرفیت های پائین اقتصادی و بشری ناکافی، آنرا در شرایط امروزی کشور عزیز عملی ساخت. زیرا ابعاد فاجعهٔ جاری در کشور ویران شدهٔ ما آنقدر بزرگ است اگر مساعدت های بیرونی نباشد، خود توان عملی کردن آنرا نخواهیم داشت و در شرایط فعلی که هیچ گروه اقتصادی ، سازمان ها و کشورهای کمک کننده، به تنهایی، توان غلبه بر مشکلات بیشمار را ندارند. بنابرآن، ناگزیر راه سازماندهی اتحادیه های بزرگ، موسسات پولی و هم آهنگی ها و همدلی های صمیمانه و سترگ را در پیش گرفت.

رسیدن به یک آیندهٔ ایده آل و اعمار آیندهٔ خوب، بدون آموختن از تجارب و رخدادهای گذشته و به کاربستن تجارب جدید و پیشرفت های نوین « مطابق به شرایط و نیازهای کشور» از امکان بدور است. ولی سایهٔ گذشته نه آنطوری باشد که حال و آینده را از حرکت باز دارد، بلکه گذشته ها منحیث گنجینهٔ از تجارب پربار و آزموده شده، مطرح باشد. در کنار آن لازمست پیشرفت های ساینس و تکنولوژی عصری زراعتی را نیز از نظر بدور نداریم.

آرزوهای پربار بهبود وضعیت زراعت و مالداری خویشرا که از عمق قلب و بدایع فکری هر انسان با احساس و وطن دوست منشأ می گیرد، منحیث حقایق انکشاف عرصهٔ زراعت کشور، در منصهٔ عمل پیاده سازیم.

کشور عزیز ما افغانستان، دارای منابع طبیعی سرشار مانند: زمین های وافر «حدود ۴,۲ ملیون هکتار»، آب کافی «بدون تنظیم» و نفوس بیشتر از ۲۵ ملیون می باشد که از آنجمله ۸۵٪ آن بطور مستقیم و یا غیر مستقیم به زراعت، مالداری و باغداری مشغول اند.

مشکل بزرگ و اساسی را که در عرصهٔ زراعت ، مالداری و آبیاری به آن روبر هستیم، نبود بهرهٔ لازم از کار، نبود سازماندهی مؤثر کاری، نبود درک اولویت های کاری، نبود عرضهٔ خدمات ضروری درسطح روستا و دهات و استفادهٔ مؤثر از منابع طبیعی مانند: زمین ، آب ، وضع جوی مناسب که برای همه انواع تولیدات و نباتات مساعد است و قوای بشری وافر سرتاسری کشور می باشد. در شرایط کنونی، تولیدات ناچیز زراعتی در بخش غله جات مانند: گندم ، جو، جواری، برنج و غیره بوده که از هر هکتار زمین آبی بطور اوسط، حدود دو تن حاصل بدست می آید. در حالیکه امکان بیشتر از چارتن حاصل فی هکتار امکان پذیر است و حاصلات زمین های للمی کاری به یک تن هم نمی رسد گذشته از آن از کشت و حاصلات نباتات صنعتی مانند : پخته، لبلبو، نیشکر و نباتات تیلی و غیره بطور قاطع ، در شش سال گذشته از هیچ نوع پروگرام عملی زراعتی خبری نیست که در نتیجه آن فابریکه های نساجی، تولید شکر، تولید روغن و صابون و تولید جنبی آن مانند کنجاره که برای خوراک حیوانات کمک می نمود و از جهت دیگر زمینهٔ جذب هزاران نفر قوای بشری و تولیدات داخلی میسر می گردید که متأسفانه در نتیجه همه و همه فابریکه های فلج و از کار بازمانده است. اگر چیزی هست، آنهم در روی کاغذ و یا در لفظ بوده، در ساحهٔ عمل، به واقعیت چیزی وجود ندارد. در حالیکه در سالهای ۱۳۵۷ و قبل از آن، مقدار تولیدات پخته بین ۱۶۰ تا ۱۷۰ هزارتن بالغ می گردید و به هزاران تن شرشم، کنجد، گل آفتاب پرست و غیره نباتات تیلی نیز تولید می گردید. محصولات جنبی آن یعنی کنجاره از بیست الی ۲۵ هزار تن توسط حلاجی ها و جن و پرس ها بدست می آمد که هر تن آن از نگاه کیفیت مواد غذایی معادل ۱۰ تن کاه سفید حائز اهمیت می باشد، در آن صورت وزارت زراعت مجبور نخواهد بود که تحت نام مصونیت غذای حیوانی، مصارف بزرگ مالی را متحمل شود و از نگاه تولیدات غله بخودکفایی ۴/۷ ملیون تن رسیده بودکه یک مقدار آن بیشتر از مصرف نفوس هم بود. همچنان حدود ۳۰ فیصد عایدات ملی از سکتور مالداری بدست می آمد، در حال حاضر قسمت اعظم گوشت و لبنیات از کشورهای خارجی وارد می گردد. مالداری کشور روز تا روز ضربه می بیند. در حالیکه موجودیت چراگاه های وسیع در سراسر کشور و روستائیان رنجیدهٔ بیکار و فقیر، برای پرورش مالداری و تولید محصولات مالداری آماده اند. اما نسبت عدم درک اولویت های کاری و نبود یک برنامهٔ مؤثر عملی بشمول قرضه و کریدت ، این فاصله و احتیاج، روزتا روز بیشتر و بیشتر می گردد. اگر مشکلات هر سکتور زراعت را مانند : مالداری ، باغداری و آبیاری، یکایک به تحلیل بگیریم، زمان بیشتر و صفحات زیاد را در بر خواهد گرفت. بهتر خواهد بود تا بطور فشرده نظرات خویشرا که از تجارب گذشتهٔ زراعت کشور و نتایج

کشور عزیز ما افغانستان، دارای منابع طبیعی سرشار مانند: زمین های وافر «حدود ۴,۲ ملیون هکتار»، آب کافی «بدون تنظیم» و نفوس بیشتر از ۲۵ ملیون می باشد که از آنجمله ۸۵٪ آن بطور مستقیم و یا غیر مستقیم به زراعت، مالداری و باغداری مشغول اند.

پربار زراعت عصری کشورهای خارجی منشأ می گیرد، منحیث راه حل های عملی مشکلات کنونی که دامنگیر حکومت و مردم عزیز کشور است، تحت مواد ذیل ارائه نمایم:

مبرهن است که وزارت زراعت، آبیاری و مالداری یک دستگاه خدماتی است و برنامه های زراعتی ، پالیسی ها و ستراتیژی های زراعتی که پاسخگوی رشد و توسعه زراعت، مالداری، باغداری و آبیاری ، برای هر منطقه ای از کشور، با در نظر داشت امکانات و پتانسیل اصلاح نباتات و حیوانات همان منطقه باشد، عیار گردد. قیمت تولید تریاک به هیچ نوع نبات مشروع قابل مقایسه نیست، مگر اصلاح نبات و حیوان در هر منطقه اهمیت خاص داشته که یک نوع بدیل برای کشت کوکنار می شود.

در آغاز وهله، تهیه و تدارکات مواد زراعتی از قبیل ، مقدار کافی کود کیمیاوی ، با نوعیت های دای آمونیم فاسفیت ، بمقدار ۲۰۰ هزار تن ، کود یوریا مقدار ۳۰۰ هزار تن، تخم های اصلاح شدهٔ گندم مقدار ۶۰ هزارتن که به تدریج در سالهای بعدی تا ۸۰ هزار تن و بالاخره بیشتر از ۱۰۰ هزار تن ارتقا داده شود، به دهاقین کشور از طریق احیای شرکت کودکیمیاوی و شرکت تخم های بذری اصلاح شده که در گذشته ها هیچ نوع مشکلات منفی نداشته و در خدمت زراعت رول ارزنده را بازی کرده است که حتی در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ بمقدار بیشتر از ۳۹۰ هزار تن کود در کشور توزیع کرد و حال هم شرکت می تواند در صورت تهیه و توزیع اقدام کند. علاوتاً استفاده از کودهای کیمیاوی برای تمامی نباتات از قبیل، غله جات، حبوبات، نباتات تیلی. میوه جات ، سبزیجات و علوفه جات چون شبدر، رشقه و غیره بکار برده می شود. درشرایط امروزی هر قدر کود که توسط اشخاص به کشور وارد شد، همه بدون کیفیت بوده که برای تولیدات زراعت ضربه بزرگ است. قابل تذکر است که فعالیت موثر در شرایط فعلی بشکل اشتراکی یعنی اشتراک دولت و سکتور خصوصی در عمل پیاده گردد. «موضوع همکاری اشتراکی در این طرح به تفصیل بحث گردیده است.» برای مجادله علیه آفات و امراض تدابیر قبلی مدنظر گرفته شود.

برای تولیدات و محصولات با ارزش بلند عرصهٔ زراعت، ترویج وسایل میکانیزه با قیمت پائین و هم وسایل با قیمت بالاتر، در پهلوی زراعت سنتی و عنعنوی در نظر گرفته شود « که از جمله اولویت ها می باشد» بطور مثال : قلبهٔ آریانا که در سالهای ۱۳۵۴ و بعد از آن، به اساس فرمایش وزارت زراعت وقت، مطابق درک شرایط کشور، در فابریکهٔ جنگلک ساخته می شد و توسط دهاقین در شخم زمین های زراعتی و باغی از آن کار گرفته می شد، نهایت مؤثر واقع گردیده بود که در حقیقت مفکوره میکانیزه از همین جا شروع شد همچنان به تدریج به مقدار بیشتر از ۲۰۰۰ هزارعراده تراکتور با ملحقات آن از قبیل : قلبه، تخم پاش، کود پاش، چغل و خرمن کوب و غیره از خارج تورید و از طریق بانک زراعتی به ربح مناسب (شش الی نه فیصد) به دهاقین توزیع گردید.

واتر پمپ های ۴ تا۶ انچ ساخت فابریکهٔ جنگلک که از عمق پنج تا ۱۰ متر آب را از چاه بلند می نمود و در اکثر مناطق افغانستان به دهاقین توزیع گردیده بود که تا امروز از شهرت خوب برخوردار است. در پهلوی آن واتر پمپ های ۴ انچ از کشور های خارج نیز وارد گردیده بود. بنابر آن در استفاده از وسایل میکانیزه در زراعت، دهاقین کشور از گذشته هاتجارب خوب دارند ولی در شرایط امروزی، پشتیوانهٔ مالی دهاقین خیلی ضعیف بوده قدرت تهیه آنها را ندارند. امید زمینهٔ تورید، تولید و معرفی وسایل متذکره، بار دیگر در سراسر کشور، تحت سیستم عملی گردد.

در گذشت شش سال دوران حکومت هیچ فرد حاضر به سرمایه گذاری در زراعت نشد چنانچه در اول وهله مقام وزارت زراعت در سدد تشویق سکتور خصوصی بود که تا حال صورت نگرفت. من معتقد هستم که دولت سکتور خصوصی را به اساس یک سیستم رقابتی در سرمایه گذاری، در عرصهٔ زراعتی، عیار سازد تا در بازسازی و نوسازی عرصهٔ زراعت کشور، سهم گسترده بگیرند. چنانچه ملاحظه می گردد، مؤسسات اقتصادی به اساس سه نوع مالکیت در امور زراعت در کشور فعالیت کرده می تواند:

مؤسسات اقتصادی با فعالیت کاملاً خصوصی .

مؤسسات اقتصادی با فعالیت کاملاً دولتی.

مؤسسات اقتصادی با فعالیت کاملاً اشتراکی، مشتمل بر دولتی و سکتور خصوصی که بطور آزادانه ، با همدیگر به شیوهٔ رقابت مثبت اشتراک می ورزند و به همکاری دو جانبه می پردازند. در این سیستم چون دولت با سکتور خصوصی با روش اشتراکی ، فعالیت می نماید، سکتور خصوصی به اطمینان خاطر، فعالیت سکتوری خویشرا دنبال می کند. زیرا مطمئن است که اگر به کدام چلنجی مواجه گردد، دولت در کنار آن قرار دارد و چلنج را کاهش می دهد.

این شیوه به گونه ای عملی می باشد که دولت با سکتور خصوصی بطور مشترک سرمایه گذاری در عرصه های زراعتی می کند. دولت وظیفهٔ رهبری، سازماندهی و هم آهنگی امور را بعهده داشته ، در حالیکه سکتور خصوصی وظیفه منجمنت و ادارهٔ دستگاه رابا توسعه پروژه بر عهده می داشته باشد، در جهت توسعه و عملی نمودن آن هر دو جانب از هیچگونه سعی و تلاش دریغ نمی نمایند. از جانبی زمینهٔ استفاده جویی و خرابکاری نیز گرفته می شود.

ادامه دارد

هفته نامهٔ
مجاهد
وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم
ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما
رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال هفتم – شمارهٔ سیزدهم شنبه ۲ سنبله ۱۳۸۷- ۲۰ شعبان المعظم ۱٤۲۹ - 23, August 2008

امام ابو حنيفه رحمة الله عليه ژوند
او د هغه سياسي مواقف

ليکنه: محقق عبدالناصر (شفيق)

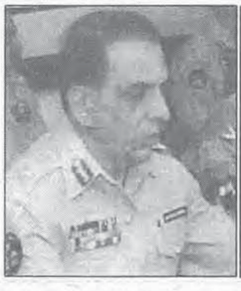
د امام نسب، پيدايښت او پېژندنه:

د امام ابوحنيفه رحمة الله عليه نوم نعمان ؤ چې د ثابت ځوی او هغه د زوطي الکوفي ځوی ؤ نيکه يې زوطي د افغانستان اوسيدونکی ؤ چې لومړی غلام ؤ او بيا آزاد کړی شوی ؤ او ځينې وايي چې له سره غلام نه ؤ. د امام صاحب پلار "ثابت" مسلمان زيږيدلی ؤ او پخپله امام د هجرت په اتيايم کال په کوفه کې پيدا شوی ؤ.

امام به د خپل پلار سره چې تاجر ؤ کارته تللو او د تجارب کسب يې ورځخه زده کړی ؤ، هغه له کوچنيتوب څخه د تجارت کسب غوره کړی ؤ او د پلار په څېر يې د ټوټو تجارت کاوه چې لامله يې ښه ژوند لرلو او د حلال کسب په اړه به يې ويل چې: (له ټولو غوره مال هغه دی چې د حلال کسب له لياری لاسته راشي او ښه خوراک هغه دی چې انسان يې له خپله لاسه وخوري) او په رښتيا هم امام رحمة الله عليه په خپل کسب او کار کې ډېر ريښتونی او امين ؤ، که له چا څخه به څه شی پېرودلو نو د هغې په وړ قيمت به يې ورځخه اخيسته او که به يې پرچا باندې څه شی پلورلو نو د مبيعې بشپړ اوصاف به يې ورته بيانول ان تردې چې کوم عيب به په کې ؤ هغه به يې ورته په ډاګه کاوه.

پاتې په ۷ مخ کې

سفر فرمانده ارتش پاکستان به کابل



جنرال پرویز اشفاق کیانی، فرمانده ارتش پاکستان به تاریخ ۲۹ اسد وارد کابل گردید. گفته شده است این مقام نظامی پاکستانی جهت شرکت در نشست کمیسیون نظامی سه جانبهٔ افغانستان، پاکستان و آمریکا به افغانستان سفر نموده است. وی با مقامات افغان و نیروهای ناتو مستقر در افغانستان راجع به روند مبارزه با تروریسم و همکاری های اطلاعاتی بحث و گفتگو کرده است.

وزارت دفاع افغانستان می گوید در نشستی که فرمانده ارتش پاکستان با ژنرال بسم الله محمدی، همتای افغانی اش و فرمانده نیروهای ناتو در افغانستان، در فرودگاه بگرام داشت، روی مسایل امنیتی افغانستان و پاکستان بحث شده است.

این اولین سفر آقای کیانی پس از آن است که فرماندهی ارتش پاکستان را در ماه اکتوبر سال گذشته برعهده گرفت.

کمیسیون نظامی سه جانبه که چند سال قبل تشکیل شد تا کنون چندین نشست در رابطه با همکاری های نظامی. استخباراتی و تأمین امنیت مرزهای دو کشور در کابل و اسلام آباد برگزار کرده است.

مقامات امیدوارند که برگزاری این نشست بتواند با توجه به وضعیت تازه یی که در پاکستان به وجود آمده، در بهبود روابط دوکشور همسایه مؤثر واقع شود. اما صاحبنظران تغییرات اساسی در سیاست پاکستان در قبال افغانستان را بعید می دانند.

پیام جمعیت اسلامی افغانستان به مناسبت هشتاد و نهمین سالگرد استقلال ...

کشورهای آسیایی و افریقایی به نحوی از انحاء در زیرسلطهٔ استعمار ستمگران انگلیس دست و پا می زد وهیچکس را یارای مقابله با نیروهای اهریمنی امپراطوری بریتانیا که کبیرش می خواندند، نبود.

بلی! افغان های مسلمان و آزادی، نیاکان نسل حاضر با دستان خالی ونیروی ایمان در آن پیکار نا برابر، با آهنین پنجه های استعمار درآویختند و استقلال میهن محبوب خود را بی باکانه سرنوشت ساز، در صفحات زرین تاریخ رقم زدند ومنبع الهام همه مبارزات آزادی خواهی و ضد استعماری و رهبر و امام و مقتدای همه آزادی خواهان جهان به خصوص مبارزان و آزادی خواهان نیم قارهٔ هند گردیدند.

امروز ما هشتادونهمین سالگر این روز عظیم و تاریخی را در حالی جشن می گیرم و از حماسه ها و کارنامه های افتخار آفرین یورشگران قهرمانی که در نبرد با دشمن، بهشت برین را از نشانگاه تفنگ های خویش می دیدند، درود بیکران نثار می کنیم و باور داریم که آزادی کشورما بهای خون صدهاهزار انسان، آزاده، مجاهد ومعتقدی است که به خاطر سربلندی تو من و ما، جان های شیرین را سخاوتمدانه قربانی کردند و وطن را از اشغال اجنبی رهایی بخشیدند.

درود بر روان پاک همه شهیدان، غازیان ومجاهدان نبرد های استقلال جهاد ومقاومت!

جمعیت اسلامی افغانستان
۲۸ اسد ۱۳۸۷ خورشیدی- کابل

رویداد های مهم هفته

سوء قصد به جان وزیر معارف

محمدحنیف اتمر وزیر معارف روز شنبه ۲۶ اسد از یک سوقصد درحومهٔ شهر کابل جان سالم بدر برد، سخنگوی وزارت معارف گفته است که وزیر معارف هنگام بازگشت از ماموریت توزیع کتاب از ساحهٔ پلچرخی درمسیر راه کاروان حامل وی آماج ماینی جاسازی شده قرار گرفت، اما دراین حادثه به وزیر معارف آسیبی نرسیده است، دراین حادثه دوتن مجروح شده اند که گفته می شود یکی از مجروحان نماینده کوچی ها در شورای ملی بوده است.

کشته شدن چندین شورشی درهلمند

وزارت داخله با انتشار اعلامیه یی از کشته شدن ۱۵ شورشی در ولسوالی نادعلی ولایت هلمندخبرداده است، درخبرنامه زمان وقوع این رویداد شنبه ۲۶ اسد، گفته شده است که این افراد در ولسوالی نادعلی ولایت هلمند زمانی کشته شدند که بریک پاسگاه پلیس حمله کردند ودر آتشباری که از سوی نیروهای پلیس صورت گرفت ۱۵ شورشی طالب کشته اند.

کشته شدن چهار سربازخارجی در غزنی

منابع دولتی در ولایت غزنی روز شنبه ۲۷ اسد از کشته شدن چهارسربازخارجی خبر داده اند.در خبرآمده است که این سربازان زمانی کشته شدند که موترحامل شان با ماینی جا سازی در کنار جاده در ولسوالی ناوه برخوردکرده است.

حمله به پاسگاه پلیس در کنر

گروهی مسلح شب یکشنبه ۲۷ اسد بر یک پاسگاه پلیس در ولایت کنرحمله کرده و ادعا کرده اند در پی این حمله چهارسرباز پلیس را کشته اند، عبدالجلال جلال فرماندهٔ پلیس کنر حمله به پاسگاه پلیس را تایید کرده و گفته است که دراین حمله تنها یک سرباز پلیس کشته شده است.

کشته شدن سیزده انتحارکننده در خوست

گروهی از افراد وابسته به دهشت افگنان روز سه شنبه ۳۰ اسد بریک پایگاه نیروهای خارجی در خوست حمله کرده و قصد داشتند این پایگاه را سقوط دهند اما درجریان برخورد این گروه با کمندوی ارتش ملی سیزده تن از این افراد کشته شدند، ژنرال محمدظاهر عظیمی سخنگوی وزارت دفاع ملی گفته است ده تن از کشته گان با واسکت های انتحاری ملبس بوده اند.

کشته شدن ده ها تبعهٔ افغانستان درایران

به اثر واژگون شدن یک موتر مسافر بر ده ها تن از اتباع افغانستان روز پنجشنبه ۳۱ اسد در ولایت فارس ایران کشته شده اند، در خبر آمده است که ۳۱ تن کشته و ۳۸ تن دیگر مجروح گردیدند. علت وقوع رویداد به صورت درست اعلام نشده است.

حاجی میرزا محمد "مراد" رئیس شورای انسجام ترکمن های افغانستان در مصاحبه با هفته نامهٔ مجاهد:

ما برای وحدت وهمبستگی میان مردم کارمی کنیم

مصاحبه کنند: نذرالله عنایت

حاجی میرزا محمد مراد متولد سال ۱۳۴۰ خورشیدی در ولایت باستانی بلخ می باشد. او دورهٔ ابتدایی، متوسطه و ثانوی را تا صنف یازدهم در ولسوالی آقچهٔ ولایت بلخ خوانده است. با اوج گیری انقلاب و دسیسه هایی که از سوی رژیم متوجه نهضت اسلامی و جوانان مسلمان بود آقای مراد نتوانست درس های خود را به پایه اکمال برساند و مجبور شد به پاکستان هجرت نماید و صنف دوازدهم را در لیسهٔ مجاهد به پایان رسانیده و دوباره به صفوف جهاد و مقاومت در برابر اشغالگران پیوست و سال ها سنگردار خوبی در ولایات شمال کشور بود.

آقای مراد اکنون شورای انسجام ترکمن های افغانستان را رهبری می کند که به همین مناسبت هفته نامهٔ مجاهد مصاحبه یی را با موصوف انجام داده و از او در مورد اهداف شورا و پلان های آینده اش پرسیده است.



مجاهد: ممکن است راجع به اهداف و انگیزه های شورا صحبت نمایید؟

مراد: با تشکر از شما و هفته نامهٔ مجاهد، همان طوری که همه می دانند ترکمن ها هم یکی از ملیت های مقیم در افغانستان می باشند، از قدیم الأیام در این مرز و بوم زندگی داشتند، نیاکان ما دوشا دوش سایرین، به خاطر آبادی و سرافرازی وطن سعی و تلاش کردند. اما متأسفانه ترکمن ها خودشان، هیچ گاهی منسجم نبودند و به شکل پراگنده زندگی داشتند و مصروف فعالیت های اقتصادی قالین بافی، کشاورزی و زراعتی بودند.

من به عنوان یک جوان مسلمان به این نتیجه رسیدم که پراگندگی قوم ترکمن سبب شد که کسی به ما حق و حقوق مان را ندهد و در مواردی از ما استفاده های ابزاری صورت گیرد، بناءً اقدام به تأسیس شورا نمودیم تا از این طریق بتوانیم خوب تر و بهتر مصدر خدمت برای مردم افغانستان به ویژه ملیت ترکمن گردیم. تلاش ما به این است که مردم را در یک محور جمع نماییم، به کمک خداوند امسال مؤفق شدیم که شمار زیادی از ترکمن ها را در مزارشریف جمع نمودیم و شورا را تأسیس کنیم.

مجاهد: به چه تعداد نفر و از کدام ولایات در اولین نشست شما آمده بودند؟

از سراسر افغانستان نمایندگان مردم که تعدادشان به ۱۲۰۵ نفر می رسید جمع شده بودند و مجمع عمومی را دایر و با اکثریت آراء بنده را به صفت رئیس انتخاب نمودند.

ادامه درص۴